

روزشمار جنگ دوشنبه

۱۰ شهریور ۱۳۶۵

۲۶ ذیحجه ۱۴۰۶

۱ سپتامبر ۱۹۸۶

۷۶۵

چنان که ذکر شد، بر اثر نامساعد شدن اوضاع جوی، عملیات تصرف اسکله العمیه در شب گذشته متوقف و به امشب موکول شد. از اولین دقایق غروب امروز، اعزام مجدد نیروها برای تصرف اسکله آغاز شد و تا ساعت ۲۴ اقداماتی به این شرح انجام گرفت:

نیروهای غواص پس از گزاردن فریضه نماز و مراسم کوتاه عزاداری و توسل به امام حسین(ع)، در حالی که هر یک وسایل و لباس غواصی و تجهیزات عملیاتی خود را همراه داشتند، با شور و هیجان شدیدی برای رسیدن به نقطه‌رهایی سوار قایق‌ها شدند.



آخرین راز و نیازهای رزمندگان غواص قبل از عملیات

طبق طرح قرار بود که غواصان با دو فروند شناور ابتدا با گرای مشخص به "بویه ۸" (اولین نقطه کمکی)، برسند، سپس با تنظیم مجدد گرا به طرف سه پایه "العمیه" یعنی "نقطه‌رهایی" ادامه مسیر بدهند و از این نقطه با پوشیدن لباس غواصی وارد آب شوند و مسیر پنج کیلومتری سه پایه تا اسکله را شنا کنند.

پس از راهی شدن شناورها بر طبق برنامه، جانشین فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) (برادر ابوشهاب) به چهار سکان‌دار قایق‌های "والفجر" که امکانات صعود از اسکله (نردبان) را با خود داشتند دستور داد چنانچه به وجود آنها دربالارفتن از اسکله نیاز شد، به منطقه درگیری اعزام شوند. در عمل به سبب پیدایش مشکلات متعدد، نیروهای غواص با یک ساعت و نیم تأخیر به نقطه‌رهایی رسیدند (لحظه‌شمیه دارد). برای این که تأخیر پیش آمده سبب نشود که نیروهای غواص در زمان مقرر به اسکله نرسند، قرار شد که قایق‌ها، غواص‌ها را دو کیلومتر جلوتر از نقطه‌رهایی که پیش از این تعیین شده بود در آب رها کنند. قایق‌ها پس از گذراندن مسافت تعیین شده، غواص‌ها را با تجهیزات کامل در آب رها کردند، در حالی که وضعیت جوی نامساعد می‌شد و با افزایش سرعت باد، موج‌ها نیز بلندتر می‌شدند.

غواص‌ها با ورود به داخل آب در سه ستون صف بستند و افراد هر ستون به‌منظور حفظ انسجام خودشان، به‌فاصله دو متر از هم، دست خود را به طناب بلندی گرفته بودند. غیر از نفر اول که برای حفظ نظم و هدایت ستون و خواندن قطب‌نما سرش بیرون از آب قرار داشت، بقیه افراد با گذاشتن "اشنوگر"^۱ سرخود را در آب فرو برده و منتظر دستور حرکت بودند. با رسیدن دستور حرکت در آخرین دقایق روز دهم شهریور و در حالی که اوضاع جوی نیز هر لحظه نامساعدتر می‌شد و امواج خروشان خلیج فارس غواص‌ها را بالا و پایین می‌برد، هر سه ستون شناکان حرکت خود را به سوی اسکله العمیه که در سه کیلومتری قرار داشت، آغاز کردند.^(۱)

۷۶۶

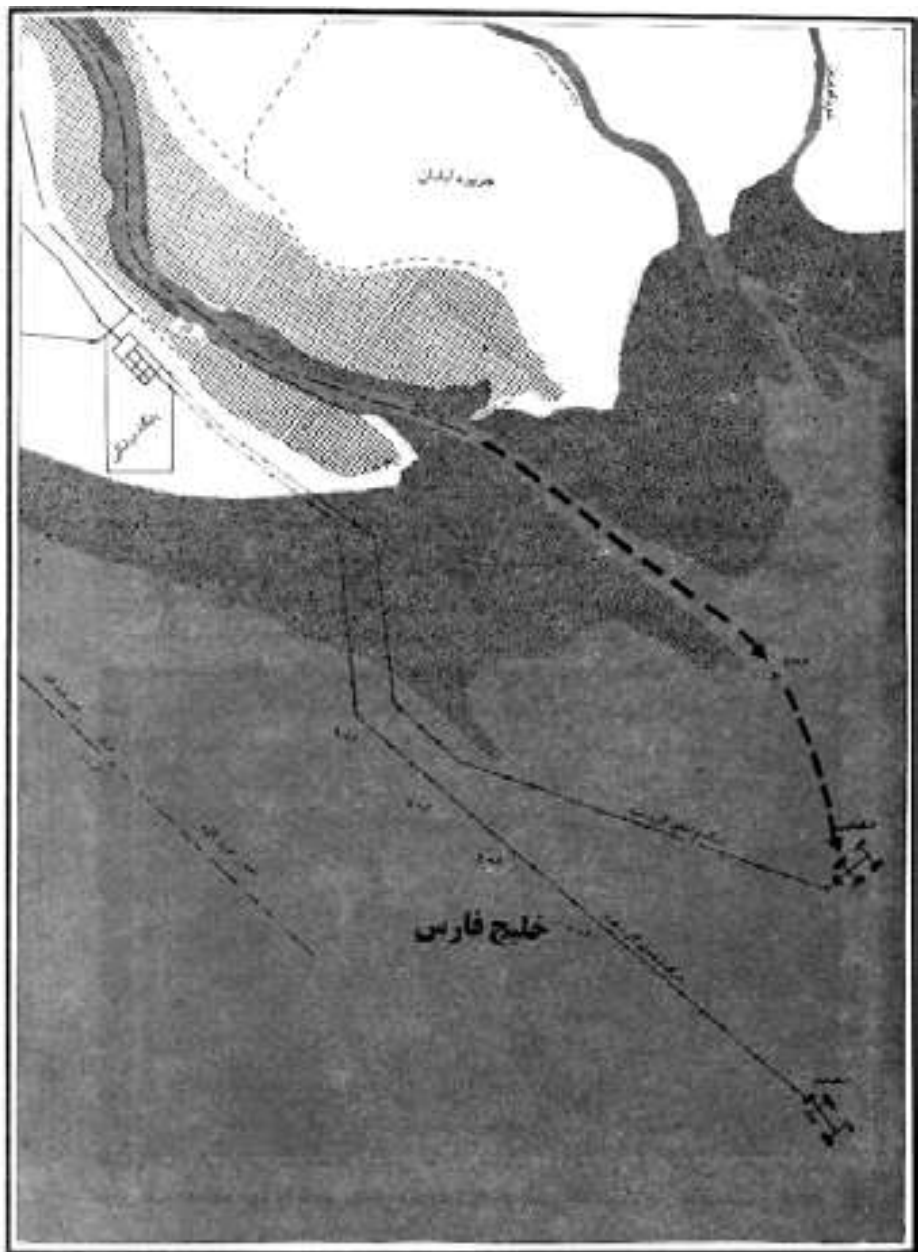
در منطقه عملیاتی "حاج عمران" علی‌رغم اجرای آتش توپخانه دشمن روی نیروهای خودی و شلیک منوره‌های فراوان و پی‌درپی که حاکی از هوشیاری دشمن بود، نیروهای خودی توانستند در اولین ساعات بامداد امروز خود را به خط تماس^۲ برسانند و در حالی که هنوز دقایقی

≡ نقطه‌رهایی: نقطه‌ای است که عناصر یک یگان از آن جا از اختیار فرمانده یگان خارج می‌شوند و در اختیار فرمانده مستقیم (گردان، گروهان، دسته و ...) قرار می‌گیرند.

≡ اشنوگر: ابزاری چپق مانند که غواصان هنگام سرفرو بردن در آب، با گذاشتن یک سر آن در دهان و قرار دادن سر دیگر در خارج از آب، تنفس می‌کردند.

≡ خط تماس: محلی که انتظار می‌رود اولین درگیری بین نیروهای خودی و دشمن در آن جا صورت بگیرد.

منطقه عملیاتی کربلای ۳ (خلیج فارس، اسکله العمیه، اسکله البکر)



به ساعت ۱ بامداد باقی مانده بود، یکی از گردان‌های تیپ ۱۰۵ قدس را دشمن در شکاف میان ارتفاع "واراس" و ارتفاع "۲۵۱۹" دید و درگیری ناخواسته و زود هنگام آغاز گردید. در محور راست، عملیات تیپ ۹ بدر با استفاده از سه گردان عملیاتی ("شهید صدر"، "شهید دستغیب" و "شهید بهشتی") و یک گردان احتیاط (گردان حمز مع- که عمدتاً از اسیران عراقی بودند)، از سه محور با هدف تصرف ارتفاع "شهید صدر" انجام شد. این تیپ طی یک رشته عملیات و درگیری سخت موفق شد در نهایت به جز مقر فرماندهی دشمن واقع در نقطه‌ای موسوم به مثلثی، تمامی منطقه عملیاتی موردنظر را تصرف کند و در آن مستقر شود (لله ضمیمه دارد).^(۲)

از سوی دیگر، براساس طرح مانور، ارتفاع "تخته سنگی" که ارتفاع شهید صدر را زیر دید و تیر داشت، می‌بایست به دست نیروهای تیپ ۱۱ قائم تصرف می‌شد که این تیپ نتوانست عملیات خود را انجام دهد، با روشن شدن هوا متوقف شد،^(۳) ولی تیپ ۹ بدر در ادامه پیش‌روی‌های خود این تپه را نیز تصرف کرد. در محور چپ نیز نیروهای یگان‌های عمل‌کننده با حرکت به سمت منطقه درگیری، زیر آتش شدید توپخانه و مسلسل‌های سنگین دشمن قرار گرفتند که تعدادی از آنان شهید و مجروح شدند، اما بقیه خود را به سنگرهای دشمن رساندند و درگیری را آغاز کردند.

تیپ ۱۵۵ شهدا با موفقیت هدف ابتدایی خود را روی ارتفاع "۲۵۱۹" به دست آورد و جهت تصرف دو هدف دیگر روی بلندترین نقطه قله، مسیر را ادامه داد. یک گردان از این تیپ از سمت راست خود را به پشت دشمن رساند و با استقرار در زیر یال‌ها، جاده "دربند" به "۲۵۱۹" را بست و موفق شد ۱۱۰ تن از نیروهای دشمن را به اسارت بگیرد، ولی با شروع پاتک دشمن، تلفات بسیاری بر آن وارد آمد و ناگزیر عقب‌نشینی کرد، در نتیجه دوباره جاده برای دشمن باز شد. به این ترتیب نیروهای خودی بر اثر مقاومت و آتش شدید دشمن موفق به تصرف قله "۲۵۱۹" نشدند و تنها با گرفتن جاپایی در یال پایین "۲۵۱۹"، به عقب باز گشتند (لله ضمیمه دارد).

تیپ ۱۰۵ قدس نیز علی‌رغم تحمل تلفات در هنگام حرکت به سوی خط دشمن، خود را به آن جا رساند و توانست یک گردان (گردان میثم) را تا نزدیکی "واراس" برساند و به قسمتی از اهداف خود دست یابد، ولی به سبب پاکسازی نکردن یال‌های پایین ارتفاعات "۲۵۱۹" و "تپه تخم مرغی" و نیز هوشیاری دشمن، این گردان محاصره شد و بقیه نیروهای تیپ تا صبح امروز به عقب بازگشتند (لله ضمیمه دارد).

لشکر ۱۰ سیدالشهدا نیز در آغاز کار تا حدودی موفق بود و توانست "تپه تخم مرغی" را تصرف کند، ولی بر اثر آتش شدید دشمن که از ارتفاعات "۲۵۱۹" و یال "سکران" اجرا می‌شد، موفق نشد اهداف خود را به طور کامل تصرف کند و با فشار دشمن، ناچار عقب‌نشینی کرد.

"سرهنگ ابوفارس" (مسئول گردان اسیران عراقی) که در ساعات اولیه عملیات قرارگاه فرماندهی نیروهای دشمن را به محاصره خود درآورده و علی‌رغم تلاش بسیار نتوانسته بود آن را تصرف کند، با تعدادی از نیروها پس از دور زدن دشمن، به آنان حمله کرد و در ساعت ۸:۳۰ این قرارگاه را به تصرف درآورد.^(۴)

به هر حال، در مرحله اول عملیات، تیپ ۹ بدر موفق شد طی چند ساعت درگیری تن به تن و شجاعانه با دشمن، اهداف خود را که شامل تپه شهید صدر و تخته‌سنگی و مقر فرماندهی دشمن بود، به تصرف در آورد و با اسیر کردن ۲۷۷ تن از نیروهای دشمن و غنیمت‌گرفتن پنج دستگاه تانک، در مقر فرماندهی تیپ دشمن مستقر شود. این تیپ که به دلیل موفق نشدن نیروهای خودی در محورهای دیگر، به شدت زیر فشار پاتک‌های دشمن قرار داشت، به خوبی در نگهداری محور خود مقاومت نمود و در ساعت‌های ۳:۳۰ بامداد، ۸ صبح و ۱۲ ظهر امروز سه حمله شدید دشمن را دفع کرد (لایحه‌نامه دارد)، اما دیگر یگان‌ها با دادن تعدادی شهید و مجروح و به‌جا ماندن تعدادی از مجروحان در منطقه، نزدیک صبح به عقب بازگشتند و در خطوط پدافندی سابق مستقر شدند.^(۵)

علاوه بر پاتک‌های دشمن، از اولین ساعات امروز فعالیت هواپیماهای جنگنده او نیز شدید بود. طی این حملات از ساعت ۵۷:۰۰ بامداد تا ساعت ۱۳، در ۱۶۵ "سورتی" پرواز، انواع



گوشه‌ای از منطقه عملیاتی کربلای ۲ (حاج‌عمران)

هواپیمایهای شکاری و شکاری بمبافکن ("سوخو ۲۲"، "میراژ اف - ۱" و "میگ ۲۳") در ۵۰ مرحله مواضع و عقبه نیروهای خودی را بمباران کردند. در این عملیات یک هواپیمای دشمن با آتش پدافند هوایی خودی سرنگون شد.^(۶)

پس از بازگشت آرامش نسبی به منطقه عملیاتی، جلسه‌ای با حضور برادر رحیم صفوی، برادر هدایت (فرمانده قرارگاه حمزه) و فرماندهان یگان‌های عمل کننده تشکیل شد که ضمن بررسی وضعیت کلی عملیات، حفظ و تثبیت ارتفاع شهید صدر و تصرف کامل ارتفاع ۲۵۱۹ در رأس اقدامات بعدی قرار گرفت، لذا قرار شد تیپ ۱۵۵ ویژه شهدا با ۲ گردان، مأموریت شب گذشته یعنی تصرف ارتفاع گردمند (۲۵۱۹) را تکرار نماید و یک گردان از تیپ ۲۱ امام‌رضاع) نیز در احتیاط آن باشد.^(۷)

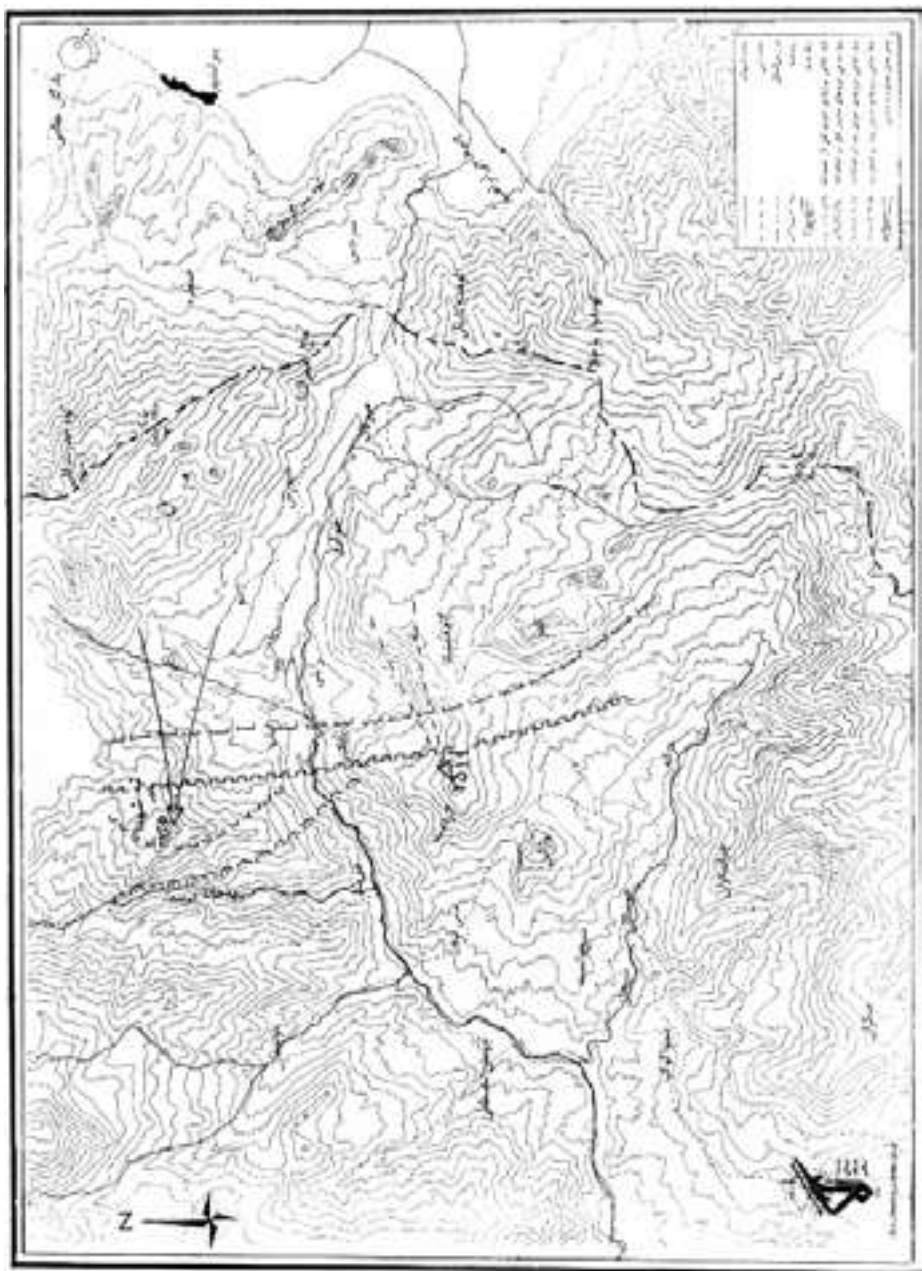
علاوه بر تصرف ارتفاع سوق‌الجیشی ۲۵۱۹، مشغول نمودن دشمن در این منطقه نیز از اهداف مورد نظر فرمانده عملیات بود که در این باره برادر رحیم صفوی در جلسه‌ای با حضور فرماندهان یگان‌ها، ضمن تأکید بر اهمیت عملیات گفت: «یکی از اهداف مهم این عملیات درگیر نگاه داشتن دشمن تا آغاز عملیات بسیار مهم دربندیخان است تا بدین وسیله او را از عملیات در "دربندیخان" غافل نماییم.»^(۸)

۷۶۷

براساس طرح مانور مورخ ۱۳۶۵/۶/۸ زمان شروع عملیات سپاه در جزیره مجنون، ۱۳۶۵/۶/۱۱ تعیین شده بود، اما پس از بحث‌های امروز در قرارگاه کربلا، زمان عملیات به تعویق افتاد. در جلسه امروز این قرارگاه که با حضور فرمانده آن تشکیل شد، یگان‌های عملیاتی با توجه به مشکلات و موانع موجود، خواستار اصلاح طرح مانور و تغییر زمان عملیات شدند. در این خصوص فرمانده تیپ ۳۲ انصارالحسین (ع) گفت: «ما در تاریخی که تعیین شده برای مانور، اصلاً آمادگی نداریم. ما از روز اول گفتیم که مشکلمان نیرو است و نیرو هم آموزش می‌خواهد. با توجه به ظرافت عملیات در این منطقه، این شکل عمل کردن ضررش کمتر از عمل نکردن نیست. دشمن حساسیتش به جزیره کم‌تر شده و تلفاتی را که در این عملیات از ما می‌گیرد جبران گذشته را می‌کند. خط فعلی جزیره ناجور است و اگر بخواهیم با شکل جدید عمل کنیم، بدتر می‌شود. اگر انگیزه، عمل کردن است که باید صبر کرد و با نیروی بیش‌تری عمل کنیم و اگر انگیزه همزمانی با دیگر عملیات‌هاست، بحث دیگری است. این عملیات کاملاً ابتر بوده و وضع خط را بهتر از الآن که نمی‌کند، مشکل را بدتر هم می‌کند. اگر فرصت بدهند، آموزش غواصی را تکمیل می‌کنیم.»

فرمانده لشکر ۷ ولی عصر (عج) "برادر رئوفی" نیز گفت: «ما نه توجیه هستیم و نه دلمان روشن است. ما تاکنون نتوانسته‌ایم حتی پوتین یک گردان نیرویی را که روز پنجشنبه به ما داده‌اند، تأمین کنیم.» وی افزود: «روز اول که گفتند در جزیره جنوبی عمل شود، تنها انگیزه

منطقه عملیات کربلای ۲ (حاج‌عمران) محورهای عملیات



صاف کردن خطوط پدافندی و جلوگیری از آسیب پذیری این خطوط بود که برای همه نیز قابل توجه بود، اما الآن با توجه به تغییرات طرح مانور (که براساس آن عملیات در دو مرحله انجام شود)، این انگیزه نیز از بین رفته است. این تغییرات برای خود ما قابل توجه نیست و وقتی برای خود بنده ابهام باشد، فرماندهان گردان و واحدها را چگونه توجه کنیم؟! این تغییر یک حسن هم ندارد و تنها آسیب پذیری نیروهای خودی را بیش تر می کند.»

فرمانده لشکر ۱۹ فجر (برادر رودکی) نیز پیشنهاد کرد که تغییراتی در طرح مانور داده شود و زمان اجرای عملیات تا رسیدن نیروهای جدید، به تعویق افتد. "برادر غلامپور" فرمانده قرارگاه کربلا بعد از شنیدن این سخنان، ضمن تأکید بر تصمیم فرمانده کل یعنی اجرای عملیات در زمان مقرر، گفت: «طرح مانور اولیه عوض نشده، تنها با توجه به وضعیت کمبود نیرو، دو مرحله ای گشته، زیرا معلوم نیست چه وقت و چه تعداد برای ما نیرو خواهد آمد. الآن بعد از ۲۰ تا ۳۰ روز تنها ۶۰ نفر نیرو برای تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) آمده است. بر این اساس ما مرحله اول عملیات را انجام داده و با آمدن نیرو، مرحله بعدی را طرح ریزی می کنیم. الآن دشمن پدهایی درست کرده که اگر آنها را تصرف کنیم، خیلی از مسائل ما حل می شود.»

سرانجام، فرماندهان یگان ها با وجود اختلاف نظر با فرمانده سپاه یکم کربلا در مورد طرح مانور جدید، آن را پذیرفتند، سپس قرار شد با احراز آمادگی، عملیات انجام شود اما در مورد زمان آن تصمیمی گرفته نشد.^(۹)

۷۶۸

در منطقه شرق دجله دشمن علاوه بر این که اقدامات مهندسی خود را برای ایجاد مواضع مستحکم پدافندی در ساحل غربی "هورالعظیم" با جدیت ادامه می دهد، با اعزام یگان های شناسایی و با استفاده از هلی کوپتر و امکانات دیگر دیدبانی و با کمین کردن برای گرفتن اسیر، می کوشد که اطلاعات بیش تری در مورد حمله آتی نیروهای ایرانی به دست آورد. در چند روز گذشته پروازهای هلی کوپترهای دشمن در این منطقه نسبت به گذشته بسیار بیش تر بوده است، نحوه پرواز و تعداد هلی کوپترهایی که هربار در حال پرواز گزارش می شده اند، احتمالاً نمایانگر تمرینات ویژه ای به منظور اجرای عملیات "هلی برن" بوده است. اضافه می شود که دشمن با استفاده از تجربه دو عملیات "بدر" و "خیبر"، به خصوص بدر، اقدامات مهندسی وسیعی در منطقه شرق دجله (حداصل منطقه "القرنه" تا "شیب") آغاز کرده است که تاکنون طبق مدارک موجود، موضعی مستحکم و اطمینان بخش برای اجرای پدافند در ساحل غربی "هورالعظیم" ساخته است.^(۱۰)

۷۶۹

روز گذشته یک هواپیمای جنگنده شکاری ارتش جمهوری اسلامی ایران را خلبان آن ربود و در عراق فرود آورد که برخی رسانه های بیگانه آن را "نارضایتی خلبانان ایرانی از ادامه جنگ" تعبیر کردند، به همین دلیل امروز نمایندگان خلبانان تیزپرواز ارتش جمهوری اسلامی ایران از

پایگاه شکاری "نوژه" با نخست‌وزیر مهندس "میرحسین موسوی" دیدار و پیام خلبانان نیروی هوایی را تقدیم وی کردند. خلبانان نیروی هوایی در این پیام پس از تجدید پیمان با امام امت، دولت خدمت‌گزار و مردم حزب‌الله و شهیدپرور، آمادگی خود را برای درهم کوبیدن اهداف نظامی و اقتصادی دشمن در هر نقطه از خاک او که باشد، اعلام کرده‌اند. همچنین در این پیام تأکید شده است: «اگر شیطان بزرگ آمریکا قصد تجاوز به حریم آبی جمهوری اسلامی نماید، ما عزم استوار کرده‌ایم با هواپیماهای شکاری خود به ناوگان دشمن یورش برده و با نثار خون سرخ خود آنان را به قعر دریا بفرستیم.»

نخست‌وزیر نیز در این دیدار ضمن تجلیل از ایثارگری‌های پرسنل نیروی هوایی در طول جنگ تحمیلی، یادآور شد: «ابتکار و جسارت خلبانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی خلأ ناشی از تجهیزات مدرنی که استکبار برای نابودی انقلاب اسلامی به رژیم بعث عراق هدیه می‌کند، پر کرده است و این باعث سربلندی نیروی هوایی ما است که اگر تجهیزات مدرن اهدایی استکبار را ندارد، نیروهای جسور و بی‌باک دارد که به ابتکار و قدرت ایمان خود بر تجهیزات مدرن دشمن غلبه می‌کنند.» نخست‌وزیر افزود: «برای خلبانان ما مایه افتخار است که برای ملتی خدمت می‌کنند که سرنوشت کشورشان را خودشان تعیین می‌کنند و پیمان قوی با اسلام دارند.»^(۱۱)



دیدار نمایندگان خلبانان ارتش جمهوری اسلامی ایران با آقای موسوی نخست‌وزیر

۷۷۰

فرمانده کل سپاه امروز طی نامه‌ای به کلیه فرماندهان نواحی اعلام کرد که برای تأمین ۵۰۰ گردان رزمی که طی سه مرحله اعزام وسیع تحت عناوین "طلایه‌داران عاشورا"، "حماسه‌سازان عاشورا" و "فاتحان عاشورا" صورت می‌گیرد، ضمن استفاده از تمامی امکانات، برنامه‌های اعزام نواحی خود را بر این اساس منظم سازند. در این نامه تاریخ اعزام‌ها به ترتیب چنین تعیین شده‌است: از دهم تا پانزدهم و بیستم تا بیست و پنجم شهریور ماه و نیز یکم تا پنجم مهرماه.^(۱۲)

امروز ۴۵۱ بسیجی از ایلام^(۱۳) و تعداد ۲۱۲ رزمنده شامل ۱۰۰ نیروی تخصصی و بقیه رزمی، از قم به جبهه اعزام شدند.^(۱۴)

یکی از اعضای شورای مرکزی جهادسازندگی کشور اظهار امیدواری کرد که با تشکیل و سازمان‌دهی "گردان‌های انصار" در سراسر کشور، جهادسازندگی بتواند نیاز مهندسی - رزمی کلیه لشکرهای عملیاتی جبهه‌های نبرد را تأمین کند. وی که به‌همراه نماینده امام در جهادسازندگی به‌منظور بازدید از مناطق غرب کشور به همدان سفر کرده‌است، در گفت‌وگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: «هدف از تشکیل این گردان‌ها، جذب، آموزش، سازمان‌دهی و به‌کارگیری نیروهای متخصص و داوطلب مردمی و جهادگران می‌باشد که براساس آن کلیه نیروها به‌مدت ۴۵ روز تا ۲ سال، متناسب با نوع تخصصشان اعزام جبهه‌ها می‌شوند.»^(۱۵)

۷۷۱

کارشناسان "مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه تل آویو" اسرائیل در آخرین شماره نشریه این مرکز که تحت عنوان "توازن نظامی خاورمیانه" (Middle East Ballance) منتشر شده‌است، آخرین وضعیت توان نظامی ایران و عراق را مورد بررسی قرار داده‌اند. کارشناسان مزبور به افزایش نیروهای عراق تا سه برابر و گسترش سازمان رزمی این کشور و نیز افزایش فوق‌العاده تجهیزات نظامی آن اشاره کرده‌اند، ولی با این توضیح که در مقایسه با واحدهای زبده، واحدهای جدید عراق کارایی کافی ندارند. درباره ارتش عراق قوت‌ها و ضعف‌های دیگری نیز مورد توجه قرار گرفته‌است.

در این گزارش آمده‌است: «عراق از هنگام جنگ با ایران تاکنون با افزایش نیروهای مسلح خود به سه برابر، جمعاً دارای ۳۰ لشکر مجهز به ۵۰۰۰ دستگاه تانک شده و به همین دلیل نیروهای مسلح عراق در رده اول نیروهای زرهی تمامی منطقه قرار می‌گیرند. همچنین بغداد با افزایش سربازان خود بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار نفر، چندین لشکر پیاده نظام را که توسط تانک‌ها پشتیبانی می‌شوند بر ۶ لشکر زرهی و ۳ لشکر مکانیزه قبلی خود افزوده‌است، ولی با وجود این، واحدهای جدید از کارایی کافی برخوردار نیستند، لذا فرماندهی ارتش ضمن

بازسازی کل ارتش، میان واحدهای زبده و واحدهای جدید فرق قائل شده است. هر چند تجهیزات فعلی عراق فاقد کیفیت بالا می باشند، اما حجم بالای آنها مشکلات مربوط به نگهداری شان را ناچیز کرده است، ولی باز هم این کشور در زمینه سازمان دهی و به کارگیری واحدهای جدید خود مشکلات فراوانی دارد.

برتری کمی امکانات عراق در مقایسه با امکانات ایران غیرقابل بحث بوده و در واقع مهم ترین برگ برنده عراق، برتری هوایی ۵/۵ برابر توانایی ایران، می باشد. همچنین این برتری در زمینه نیروی زمینی از لحاظ تعداد تانک ها پنج به یک و از لحاظ توپخانه چهار به یک است. ضمناً نیروهای عراق دارای قابلیت تحرک بالایی بوده و شمار واحدهای منظم آن دو برابر ایران می باشند. در مقابل گرچه ایرانیان تلاش گسترده ای در زمینه تجهیز، آموزش و سازمان دهی پاسداران و بسیجی ها داشته اند ولی تنها در زمینه نیروی دریایی از برتری کامل برخوردار بوده اند با وجود این، نیروی دریایی عراق که در شرف "مدرنیزاسیون" است عملاً از پایگاه های خود خارج نمی شود و فقط با کمک امکانات هوایی و موشک های هوا به دریا می کوشد حوزه عمل کشتی های جنگی ایران را که غالباً وظیفه حفاظت از نفت کش ها و کشتی های باری را بر عهده دارند، محدود سازد.

عراقی ها ثابت کرده اند که در زمینه عملیاتی به ویژه در مانورهای دفاعی به پیشرفت های بارزی دست یافته اند، ولی با این همه، در ورای توازن نظامی موجود میان نیروها، ایران از لحاظ کلی دارای یک سلسله برگ های برنده تعیین کننده است، مانند برتری جمعیت نسبت به عراق (۴۰ میلیون در برابر ۱۴ میلیون)، وجود یکپارچگی بیش تر به دلیل جمعیت ۹۰ درصدی شیعه در ایران نسبت به عراق (۵۵٪ مردم شیعه، ۲۰٪ سنی و ۲۰٪ کرد)، وسعت بیش تر خاک، انگیزه های بیش تر ملت ایران، کاسته نشدن توانایی ایران در تجهیز توده های مردم در ظرف مدت شش سال جنگ. در مقابل احساس می شود که بغداد در زمینه سیاسی (فرسودگی اعتبار رژیم) و مذهبی (شیعه بودن دو سوم سربازان عراقی) و نیز برای ایجاد انگیزه و جلب وفاداری مردم، با مشکلات بسیار جدی مواجه است.

هم اکنون در ایران ۵۰ تا ۶۰ هزار اسیر و بیش از ۱۰ هزار سرباز فراری عراقی وجود دارد، در حالی که عراق فقط ۵ تا ۱۰ هزار سرباز اسیر ایرانی دارد و بالاخره آخرین برگ برنده تهران آن است که ایران توانسته بدون استقراض به تلاش جنگی خارق العاده خود ادامه داده و در مدتی طولانی به طور متوسط روزانه ۲ میلیون بشکه نفت به فروش برساند، در مقابل، میزان فروش نفت عراق معادل یک میلیون بشکه در روز است. عراق می کوشد با انجام عملیات علیه پایانه های نفتی، تانکرها (نفت کش ها) و نیز بمباران شهرهای بزرگ، ایران را مجبور سازد تا در زمینه پایان جنگ وارد مذاکره شود ولی تهران ثابت کرده است که می تواند در برابر این استراتژی مقاومت کند. ایران قصد دارد با ادامه استراتژی مبتنی بر حملات گسترده زمینی، به پیروزی قطعی بر رژیم و نیروهای عراقی دست یابد ولی تاکنون عراق از

طریق امکانات مجهز نظامی توانسته از تحقق مقاصد ایران جلوگیری کند. برای تغییر اوضاع کنونی، شش سال از ادامه آن می‌گذرد ولی برنده یا بازنده واقعی وجود ندارد.» کارشناسان اسرائیلی در خاتمه نوشته‌اند: «برای پایان جنگ باید شرایطی فراهم شود که عبارت‌اند از: سرنگونی رژیم‌های موجود در دو کشور؛ تغییر اساسی در سیاست‌های ابرقدرت‌ها در مورد جنگ یا تقویت چشم‌گیر توان نظامی ایران.»

در گزارش "مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه تل‌آویو" آمار نیروهای ایران و عراق در سال ۱۹۸۶ میلادی (۱۳۶۵ شمسی)، این چنین ذکر شده‌است: ^(۱۶)

نیروی زمینی

ایران	۱۰۰۰۰۰	۱۶	۵	۷۰۰	۲۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰۰۰	؟	
عراق □	۱۵۵۵۰۰۰	۳۳	۱۴	۵۰۰	۳۵۰۰	۳۵۰	۱۳۰۰	۳۶	

نیروی هوایی

نام کشور	پرسنل شامل سربازان ذخیره	هواپیماهای ره‌گیری □	هواپیماهای شکاری □	بمبافکن	هواپیماهای ترابری	هلی‌کوپتر	موشک‌های زمین به هوا	سکوهای پرتاب‌کننده
ایران	۳۵۰۰۰	۵	۱۳۰	-	□۹۵	۱۵۰	؟	۱۲
عراق	۴۰۰۰۰	□۲۷۰	□۳۲۳	□۲۲	□۶۵	۴۳۵	؟	۷۰

نیروی دریایی

نام کشور	پرسنل شامل نیروی ذخیره □	ناوچه‌های جنگی تندرو مجهز به موشک‌انداز □	ناوشکن، ناوچه	کشتی‌های ضدمین	ناوچه کشتی	پایگاه دریایی
ایران	۲۰۰۰۰	۱۰-۱۲	۱۱	۵	۹۳	۷
عراق	۵۰۰۰	□۱۰	-	□۸ □	□۲۷	۳

۷۷۲

روزنامه "واشنگتن پست" در گزارش امروز خود به نقل از کارشناسان آمریکایی نوشته‌است: «حمله آینده ایران نبردی حیاتی و سرنوشت‌ساز و نقطه عطفی در جنگ شش‌ساله دو کشور خواهد بود.» در این گزارش به برتری تجهیزاتی و حتی نیروی انسانی عراق در مقابل برتری روانی ایران اشاره شده، سپس با ضعیف دانستن احتمال پیروزی ایران، اوضاع آینده جنگ این چنین بررسی شده‌است:

«هرچند پیروزی ایران در این جنگ برای آینده منطقه وحشتناک می‌باشد، اما شکست ایران نیز در عملیات آینده می‌تواند رهبران ایران را وادار به تجدیدنظر در سیاست‌های خود

در خصوص ادامه جنگ نماید. به گفته مقامات امریکا، احتمالاً تهاجم عمده ایران به خاک عراق - که طی ۲ تا ۶ ماه دیگر انتظار آن می‌رود - نبرد "حیاتی و سرنوشت‌ساز" خواهد بود. هدف ایران در این تهاجم، شکستن اراده دشمن خود از طریق گرفتن اراضی بیش‌تر و وارد کردن تلفات سنگین بر آن است، اما چنانچه ایران در این اقدام گران‌بهای خود شکست بخورد، دیگر قادر به ادامه یک جنگ همه‌جانبه نخواهد بود. در این خصوص در یک فاجعه تاریخی و دارای اهمیت جهانی، دولت امریکا نبرد آتی را با چشم امیدواری و هراس تحت‌نظر دارد و امیدوار است که این نبرد شروعی برای پایان یافتن توانایی ایران در جهت گسترش نفوذ از راه پیش‌روی نظامی باشد. وحشت و نگرانی از آن‌جا سرچشمه می‌گیرد که ایران بتواند کم‌کم با دست‌یافتن به پیروزی سرنوشت‌ساز، بر مناطق پهناوری از خلیج فارس تا خاورمیانه و جهان اسلام نیز تأثیر بگذارد.

یک مقام وزارت جنگ امریکا گفت: "یک شکست سخت برای ایران، توانایی آن را جهت از سرگیری عملیات تهاجمی تا مدت بسیار طولانی از بین خواهد برد." به گفته تحلیل‌گران امریکایی، عراق در صورت استفاده صحیح از جنگنده‌هایش می‌تواند قدرت ایران را در ادامه فعال جنگ متلاشی سازد. عراق همچنین نسبت به ایران دارای تعداد بیش‌تری نیروی نظامی مسلح می‌باشد. تحلیل‌گران وزارت جنگ امریکا گفته‌اند عراق یک میلیون نیروی زمینی ارتش خود را در مقابل ۲۵۰ هزار ارتشی و ۲۵۰ هزار شبه نظامی نامنظم ایران بسیج کرده است. اما مقامات وزارت خارجه امریکا تعداد نیروهای طرفین را مساوی دانسته و می‌گویند که تعداد نیروهای عراق اندکی بیش‌تر از ایران است و هرچند عراق باید از یک مرز طولانی دفاع کند، اما ایران از لحاظ نیروی انسانی دارای برتری محلی بوده و قادر است در یک منطقه محدود دشمن را نابود سازد. یک مقام وزارت جنگ امریکا گفت: "در صورت داشتن اراده برای پیروزی، هیچ دلیلی برای باخت عراق وجود ندارد. اراده یک اصل نامحسوس است." مسئله اراده عراقی‌ها، اوایل ماه جاری در کنگره آمریکا مطرح شد و طی آن ریچارد مورفی مشاور وزیر خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک گفت: "باید تأیید کرد که ایران دارای برتری روانی بوده ولی چنین تصویری را ایجاد کرده که آنها دارای قد سه متر ونیمی و اراده‌ای بی‌نهایت برای ادامه تهاجم هستند و این شاید فریب‌دهنده باشد."^(۱۷)

۷۷۳

امروز هشتمین "اجلاس سران جنبش غیرمتعهدها" همزمان با بیست و پنجمین سالگرد تأسیس این جنبش، در "حراره" پایتخت زیمبابوه آغاز به کار کرد (الله‌ضمیمه دارد). این اجلاس شش روز به طول خواهد انجامید. به گزارش خبرگزاری‌ها، تاکنون بیش از پنجاه تن از سران کشورهای عضو جنبش در حراره حضور یافته‌اند که از جمله می‌توان از سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهوری ایران، دانیل اورتگا رئیس‌جمهوری نیکاراگوئه، فیدل کاسترو رئیس‌جمهوری کوبا، گاندی نخست‌وزیر هند و ساموئل کی‌دو رهبر لیبریا نام برد. در این اجلاس مسائل

خاورمیانه، سیاست امریکا در مدیترانه، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، خلع سلاح جهان، روابط شرق و غرب و نیز اوضاع امریکای مرکزی مورد بحث قرار می‌گیرد.^(۱۸)

در جلسه افتتاحیه این اجلاس "رابرت موگابه" نخست‌وزیر زیمبابوه و "یاسر عرفات" رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) خواستار پایان یافتن جنگ شش‌ساله ایران و عراق شدند.^(۱۹) یاسر عرفات در این اجلاس خطاب به رئیس‌جمهوری ایران گفت: «پیشنهادهای میانجی‌گری را که از سوی جنبش عدم‌تعهد، سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی به شما شده‌است، بپذیرید. تمام تفنگ‌ها باید به سوی دشمنان مشترکمان یعنی رژیم‌های "پرتوریا" و "تل‌آویو" گرفته شود.»^(۲۰)

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، همزمان با اجلاس جاری سران جنبش عدم‌تعهد در حراره، از نخستین ساعات بامداد امروز موضوعی که "پیشنهاد صلح جدید عراق" خوانده شده، مورد بحث رسانه‌های گروهی جهان قرار گرفته‌است.^(۲۱) در پیشنهاد جدید عراق که روز گذشته وزیر خارجه این کشور آن را مطرح و طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل تقدیم کرد، آمده است که عراق حاضر است با تضمین‌های بین‌المللی یک پیمان عدم تجاوز با ایران امضا کند تا جنگ شش‌ساله را خاتمه دهد. سپس افزوده شده است که این پیمان باید با نظارت سازمان ملل و تضمین شورای امنیت، یا ۳۰ دولت با انتخاب ایران ۳۰ دولت با انتخاب عراق، یا سازمان کنفرانس اسلامی انجام گیرد. همچنین توافقی درباره حسن همجواری و عدم تجاوز بین دولت‌های خلیج فارس از جمله ایران و عراق امضا شود.^(۲۲)

۷۷۴

محسن رفیق‌دوست وزیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صبح امروز در رأس یک هیئت سیاسی - نظامی تهران را به قصد طرابلس ترک کرد. وی هنگام عزیمت در گفت‌وگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی انگیزه این سفر را شرکت در سالگرد پیروزی انقلاب لیبی (اول سپتامبر) اعلام کرد. وی گفت: «در مدت اقامت در لیبی با مقامات این کشور در زمینه‌های سیاسی - نظامی دیدار و گفت‌وگوهایی انجام خواهیم داد.»^(۲۳)

۷۷۵

درباره تأثیر بمباران جزیره سیری (به وسیله هواپیماهای عراقی) بر وضعیت صدور نفت ایران، نشریه "پژوهش‌های عراقی بر وضعیت صدور نفت ایران" و نشریه "پژوهش‌های اقتصادی خاورمیانه" (مید) در شماره امروز خود نوشته‌اند که جمهوری اسلامی در خلال هفته گذشته روزانه فقط ۵۰۰ هزار بشکه نفت صادر کرده و تلاش‌های مسئولان آن برای افزایش صدور نفت، بی‌نتیجه مانده‌است. این دو نشریه سپس افزوده‌اند که ایران قبل از آن که هواپیماهای عراق در ۱۲ اوت ۱۹۸۶ (۲۱ مرداد ۱۳۶۵) پایانه نفتی سیری را بمباران کنند، روزانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه نفت صادر می‌کرده است اما از این تاریخ به بعد صادرات نفت ایران به تدریج کاهش یافت.^(۲۴)

ضمیمه گزارش: ۷۶۵: علل تأخیر رسیدن نیروها به نقطه رهایی
 شرح آنچه موجب این تأخیر شد در گزارش راوی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، شهید سیدمحمد اسحاقی،
 چنین آمده‌است: «حدود ساعت ۲۱ شناورهای حامل غواص‌ها به نزدیکی "بویه ۸" رسیدند ولی از قایق
 راهنما خبری نبود. قایق‌ها مدتی بدون تکلیف در میان آب‌ها منتظر بودند ولی بالاخره سکان‌داران بنا به
 تجربه گذشته خود، "بویه ۸" را پیدا کردند.

برادر ابوشهاب با شنیدن خبر رسیدن غواص‌ها به "بویه ۸"، به دوفرورد شناور حامل سلاح پدافند هوایی
 دستور داد که جهت پشتیبانی نیروهای غواص به بویه ۸ بروند تا در صورت نیاز، وارد صحنه درگیری شوند.
 شناورهای حامل غواص‌ها با پیدا کردن "بویه ۸" و تنظیم گرای جدید، به طرف سه‌پایه العمیه حرکت
 کردند. در حالی که به‌نظر می‌رسید با توجه به مسافت طی شده قایق‌ها به یک کیلومتری سه‌پایه العمیه
 رسیده باشند، سکان‌داران در تاریکی مطلق خلیج فارس در انتظار علامت قایق دوم که قبل از حرکت آنها
 به منطقه اعزام شده بود، چشم به دریا دوختند. غواص‌ها نیز با استفاده از فرصت، مشغول بررسی وسایل
 رزمی و پوشیدن باقی‌مانده لباس‌های غواصی خود شدند، ولی با توجه به نیافتن قایق راهنما، سکان‌داران
 با همان حالت در آب پرسه می‌زدند. از سوی دیگر، دست‌اندرکاران عملیات در تلاش بودند از طریق
 بی‌سیم موقعیت قایق‌ها را به‌دست آورند تا حرکت آنها را به سمت "نقطه رهایی" تنظیم کنند.

در همین لحظات طبق خبر دریافتی از شنود قرارگاه هدایت عملیات، احتمال داده شد که رادارهای
 دشمن به وجود قایق‌های خودی حساس شده‌است و این مسئله به حاد شدن اوضاع کمک می‌کرد.
 نیروهای غواص در حالی که در تاریکی شب به این سو و آن سو می‌رفتند همچنان در انتظار تدابیر
 فرماندهان عملیات برای رهایی خود از وضع موجود بودند. سرانجام جانشین فرمانده لشکر (برادر
 ابوشهاب) و مسئول اطلاعات قرارگاه نوح (برادر فدوی) با قایق خود، به طرف شناور غواص‌ها حرکت کردند
 و با به کارگیری تجارب و برخی ابتکارات فنی، در حالی که یک ساعت و سی دقیقه از زمان مقرر سپری
 شده بود، توانستند نیروهای سرگردان را پیدا کنند.^(۲۵)

ضمیمه اول گزارش: ۷۶۶ گزارشی از تیپ ۹ بدر در عملیات کربلای ۲

تیپ ۹ بدر تشکیلی از نیروهای مجاهد و ارتشیان عراقی است که از شروع جنگ تحمیلی و یا در طول آن با
 هجرت یا پناهنده شدن به ایران، در کنار نیروهای سپاه پاسداران شروع به فعالیت کرده‌اند. این نیروها
 عموماً در عراق افسر و درجه‌دار بوده‌اند. بیش‌تر افراد کادر تیپ نیز از نیروهای عراقی می‌باشند.
 این تیپ ابتدا در قالب گردان‌های "شهید صدر" به‌وجود آمد و در کنار نیروهای خودی در عملیات بدر
 حضوری شایسته داشت. پس از آن نیز در چند عملیات در "هور" از جمله عملیات "قدس" و "عاشورای ۴"
 شرکت کرد و موفقیت‌هایی را نیز به‌دست آورد، سپس با ادغام در نیروهای "قرارگاه رمضان" همکاری خود
 را با این قرارگاه آغاز کرد.^(۲۶)

این تیپ به استعداد سه گردان از نیروهای مجاهد عراقی و یک گردان از اسیران داوطلب، در مجموع با
 ۶۵۰ نیرو در عملیات کربلای ۲ شرکت کرد. آنچه برای اولین بار در طول جنگ در این عملیات انجام شد،
 حضور یک گردان از اسیران داوطلب شامل سربازان، درجه‌داران و افسران عراقی بود.^(۲۷)

راوی تیپ ۹ بدر (علی مژدهی) روحیه نیروهای این تیپ را قبل از حرکت آنها برای عملیات، چنین
 تشریح کرده‌است: «کلیه نیروها با داشتن روحیه‌ای بسیار قوی، دسته‌دسته ضمن آماده شدن برای حرکت،
 با برگزاری مراسم سینه‌زنی و نوحه‌خوانی به پادگان شور و حال عجیبی داده بودند. عده‌ای از برادران نیز
 مشغول نوشتن وصیت‌نامه بودند و همگی بی‌صبرانه منتظر حرکت به سمت منطقه عملیاتی بودند. در
 گردان اسرا نیز این وضعیت به‌چشم می‌خورد، عده‌ای در حال نوحه‌خوانی و سینه‌زنی بوده و هر کدام با

(۲۸)

دیدن فرمانده تیپ او را در بغل گرفته وبا خنده به وی نوید پیروزی می دادند.»^(۲۸)

راوی در شرح اقدامات این تیپ در عملیات کربلای ۲، نوشته است: «در حالی که منطقه با خمپاره های منور دشمن روشن شده است، نیروهای تیپ حرکت خود را به آرامی به سوی اهداف تعیین شده ادامه می دهند. کلیه گردان ها قصد دارند که در بین ساعات ۲۲ تا ۲۳ به پای کار برسند. گردان شهید صدر در ساعت ۲۲ به نزدیکی خط اول دشمن می رسد و دسته خط شکن ها با استقرار در جلو گردان، آماده هجوم نهایی می شود. برادران واحد تخریب در حال خنثی سازی مین معبرها در زیر منورها و شلیک خمپاره های دشمن هستند، که ناگهان دشمن متوجه نیروهای خودی می شود و آنها را به رگبار گلوله می بندد و به دنبال آن درگیری آغاز می شود. جمعی از نیروها اشتباهاً با رفتن به سمت معبرهای پاک سازی نشده، با مین ها و سیم های خاردار مواجه می شوند که در این حال ۳ تا ۴ تن از آنان خود را روی مین های این معابر می اندازند تا راه برای عبور باز شود. دسته خط شکن درحالی که هنوز تا رسیدن به خط دشمن فاصله دارد و زیر آتش شدید نیروهای دشمن مستقر در منطقه مقابل، قرار گرفته است، با تیراندازی و فریادهای الله اکبر به سمت آنان یورش می برد و به رغم شهید و مجروح شدن تعدادی از نیروهایش، شجاعانه حرکت خود را ادامه می دهد تا این که به سیم های خاردار دشمن می رسد. در حالی که شدت آتش دشمن اجازه کار را به گروه تخریب نمی دهد، یکی از نیروها خود را روی سیم های خاردار می اندازد و از دیگران می خواهد که از روی بدنش عبور کنند. نیروها با عبور از روی وی، خود را به خاکریز دشمن می رسانند و زیر آتش و نارنجک هایی که به سوی آنان پرتاب می شود، به داخل کانال جلو خود می روند و جنگ تن به تن را در داخل کانالی با عرض کم و ارتفاع نزدیک به یک و نیم متر آغاز می کنند، دشمن که با هجوم قدرت مندانه نیروهای خودی مواجه شده است، به رغم مقاومت شدید، سنگر به سنگر عقب می رود. در این هنگام یکی دیگر از گردان های تیپ ۹ بدر (شهید دستغیب) موفق می شود با شکستن خط دشمن، از پشت به او حمله کند؛ این امر سبب می شود که نیروهای دشمن با ناامن دیدن وضعیت خود، دست از مقاومت بردارند. به دنبال آن، گردان شهید صدر موفق می شود با گردان شهید دستغیب الحاق کند و هر دو به سوی مثلث انتهایی ارتفاع پیش روی کنند؛ بر اثر این حرکت، بقیه افراد دشمن به عقب می گریزند و نیروهای دو گردان روی مثلث انتهایی مستقر شوند. گردان شهید صدر در این عملیات متحمل ۳۷ شهید و ۴۰ مجروح می شود. گردان شهید بهشتی این تیپ نیز وضعیت مشابهی دارد. این گردان در حین بازکردن معابر، با آتش شدید دشمن روبه رو می شود، اما با سرسختی خود را به سنگرهای او می رساند و با وجود مقاومت شدید دشمن، به سمت "تخته سنگی" پیش روی می کند. یک قسمت از نیروهای این گردان با حرکت به سمت راست یعنی "ارتفاع شهید صدر"، با گردان شهید دستغیب الحاق می کند و بدین ترتیب ارتفاع صخره ای تصرف می شود. در ادامه به علت کمبود نیرو، یکی دیگر از گردان های تیپ ۹ بدر (گردان حمزه) که عمدتاً از اسیران عراقی تشکیل یافته است، به منظور کمک به آنها وارد عمل می شود و با حرکت سنگر به سنگر در داخل کانال ها، به پیش روی ادامه می دهند.

با روشن شدن هوا تمام منطقه پاک سازی می شود و در نتیجه، ارتفاع شهید صدر و یال آن و ارتفاع صخره ای به دست نیروی چهار گردان از تیپ ۹ بدر تصرف می شود و دشمن با برجا گذاشتن کشته ها و اسیران بسیار، از این منطقه عقب نشینی می کند.»^(۲۹)

ضمیمه دوم گزارش ۷۶۶: گزارشی از تیپ ویژه ۱۵۵ شهید در عملیات کربلای ۲ طبق گزارش راوی تیپ ویژه ۱۵۵ شهید (شهید امیری مقدم)، در محور چپ عملیات، این تیپ برای تصرف اهداف تعیین شده، با تاریک شدن هوا حرکت خود را آغاز کرد. از همان آغاز حرکت یک لحظه آسمان از منور خالی نبود و خمپاره ها امان نمی دادند طوری که به محض حرکت، خمپاره ها کنار نیروها فرود می آمد

که بر اثر آن، هفت تن مجروح شدند اما نیروها آرام آرام خود را به نقطه تماس با دشمن رساندند. راوی در خصوص آغاز حرکت گردان امام حسین (ع) این تیپ از ارتفاع "شهید عباسی" نوشته است: «بعد از پاک‌سازی معبرها به‌دست نیروهای تخریب و اطلاعات - عملیات، نیروهای رزمی برای حرکت آماده شدند که ناگهان از کمینی که تقریباً در وسط ستون قرار داشت به سوی آنها تیراندازی شد. هرچند همه به‌شدت غافل‌گیر شدند، نیروهای اسلام با اعتماد به‌نفس به مقابله پرداختند و کمین را خاموش کردند.»^{۳۱} معاون طرح و عملیات تیپ (برادر شاکری) که مجروح شده بود، پیش از آن که معبر باز شود، الله‌اکبر گویان از بقیه نیروها جدا شد و لنگان لنگان به‌طرف کانال نیروهای دشمن دوید؛ نیروهای داخل کانال شروع به تیراندازی کردند ولی وی خود را در کانال انداخت، این حرکت موجب شد که نیروهای دشمن اسلحه و کلاه خود را بر زمین بیندازند و فرمانده گروهان آنان بگریزد. برادر شاکری با حالت زخمی به روی "تپه سرخه" رفت و برخی نیروها نیز به وی پیوستند. نیروهای عراقی بعد از مدت کوتاهی پاتک خود را شروع کردند و به‌رغم اشغال تپه و به شهادت رساندن برادر شاکری، نیروهای خودی با رشادت تپه را مجدداً پس گرفتند و دو پایگاه آنها را به تصرف درآوردند. دشمن سپس آتش انبوهی روی این پایگاه‌ها ریخت، طوری که بسیاری از نیروهای خودی به سختی آسیب دیدند و سرانجام عده قلیل باقی مانده ناگزیر عقب‌نشینی کردند.»^(۳۰)

این راوی همچنین در خصوص گردان امام‌علی (ع) از این تیپ که بر اثر انفجار مین در معبر، مجبور به درگیری با دشمن شد، نوشته است: «درگیری سختی آغاز شد؛ از یک طرف پنج تیربار و یک دوشکا روی بچه‌ها کار می‌کرد و از طرف دیگر به سوی آنها نارنجک پرتاب می‌شد، این امر سبب شد بچه‌ها که بالای شیب می‌آمدند در دید و تیر دشمن قرا بگیرند و شهید، مجروح و یا زمین‌گیر شوند، لذا نیروهای باقی‌مانده مجبور به بازگشت شدند.»^(۳۱) به گزارش راوی تیپ ۱۵۵ شهید، گردان‌های دیگر این تیپ نیز به دلیل کمبود نیرو و آتش شدید دشمن، نتوانستند مأموریت خود را به خوبی انجام دهند و در مجموع، این تیپ در این عملیات موفقیت چندانی نداشت.»^(۳۲)

ضمیمه سوم گزارش ۷۶۶: گزارشی از تیپ ۱۰۵ قدس در عملیات کربلای ۲
نیروهای تیپ ۱۰۵ قدس طبق طرح مانور، به‌منظور تصرف ارتفاع "وُاراس" ساعت ۲۳:۰۰ به پای کار رسیدند. راوی این تیپ (نادر نوروزشاد) وضعیت قبل از شروع درگیری را چنین ترسیم کرده است: «گه‌گاه آتش تیربار و سلاح‌های سنگین و نیمه‌سنگین دشمن معابر را هدف می‌گرفت. دشمن با تیربار، خمپاره و حتی کاتیوشا، مقداری جلوتر از خطوط مقدم خود را زیر آتش گرفته بود به‌طوری که وقتی نیروهای تخریب قصد خنثی کردن میدان مین را داشتند، از هر طرف مورد اصابت تیر قرار می‌گرفتند.»^(۳۳)
با سنگین شدن آتش دشمن، هر سه گردان در تماس‌هایی با فرمانده تیپ ضمن بیان وضعیت موجود، تقاضا کردند فرمان درگیری صادر شود. دقایقی بعد فرمانده تیپ به گردان کمیل اجازه درگیری داد. به دنبال آن، گردان میثم اعلام کرد که پاک‌سازی میدان مین پایان یافته است. سپس به دستور فرمانده تیپ، این گردان و گردان حمزه نیز درگیری خود را آغاز کردند، ولی به علت پیچیدگی و صعب‌العبور بودن منطقه و نیز مقاومت دشمن، به‌رغم تلاش فراوان نیروهای خودی هیچ کدام از گردان‌ها نتوانستند به اهداف تعیین شده دست یابند. در این هنگام به دستور فرمانده تیپ، نیروهای کمکی گردان مالک‌اشتر

≡ به گفته مسئول طرح و عملیات تیپ (برادر صلاحی)، در فاصله رفت و برگشت نیروهای تخریب، عراق آماده‌باش اعلام کرده بود و پس از آن نیروهای دشمن در این سنگرهای کمین مستقر شده بودند.

به منظور کمک به نیروهای درگیر حرکت کردند به این ترتیب که هر گروهان آن به یکی از این سه محور که در رسیدن به اهداف دچار مشکل شده بودند، اعزام شدند.

در این حال با تشدید فشار دشمن روی نیروهای دو گردان میثم و حمزه (ع)، از ساعت ۶:۲۰ بامداد هرگونه تماس با نیروهای گردان میثم که روی ارتفاع "واراس" بودند، قطع شد، اما با تأمین عقبه نیروهای خودی در "هفت کانالی" که به همت نیروهای گردان تازه وارد شده مالک اشتر انجام شد، نیروهای گردان حمزه (ع) توانستند از "پنجه‌ای" عقب‌نشینی کنند. دشمن در "پنجه‌ای" مستقر شد اما هیچ اقدامی برای تصرف مجدد "هفت‌تپه‌ای" انجام نداد، زیرا با در اختیار داشتن ارتفاعاتی همچون "تپه تخم‌مرغی"، "پنجه‌ای" و "واراس" می‌توانست تا مدتی تأمین مواضع خود را برقرار نماید. نیروهای خودی مستقر در "هفت کانالی" نیز ساعت ۹ صبح (۱۳۶۵/۶/۱۰) بدون تلفات و خسارت عمده‌ای، عقب‌نشینی کردند.

بدین ترتیب تنها دو گروهان از گردان میثم بدون هیچ‌گونه ارتباطی با خود و یا با فرمانده تیپ، در قله واراس باقی مانده بودند. در همین حال، خبرهایی مبنی بر حضور تانک‌های عراقی در دامنه شمالی واراس (سمت نیروهای دشمن) نیز دریافت شد،^(۳۴) لذا قائم مقام فرمانده نیروی زمینی (برادر صفوی) که در کنار فرمانده کل سپاه (محسن رضایی) و فرمانده قرارگاه حمزه (برادر هدایت) در سنگر اطلاعات - عملیات تیپ واقع در قله کوه حضور داشت و اوضاع را از نزدیک بررسی می‌کرد، دستور آتش متمرکز ادوات (خیمه‌ها و مینی کاتیوشاها)، تانک‌ها و توپخانه‌ها را در پشت واراس (محل تجمع تانک‌ها و نیروهای دشمن و جاده اصلی تدارکاتی) صادر کرد. در ساعت ۹:۲۲ صبح در حالی که کلیه کوشش‌های قرارگاه نیروی زمینی متوجه تجدیدقوا برای ادامه تک در شب بود، خبر رسید که یک ستون از نیروهای دشمن از زیر یال "ساندویچی" به طرف تنگه می‌روند. این خبر با افزایش احتمال تکمیل محاصره قله واراس نشان می‌داد که نیروهای گردان میثم همچنان با دشمن درگیر هستند.

پس از بحث‌های مختلف تصمیم گرفته شد که با آتش مستمر توپخانه بر عقبه دشمن در پشت قله واراس و همچنین شلیک گلوله‌های دودزا جهت ایجاد ستون دود در مسیر عقب‌نشینی گردان، این نیروها را از دید دشمن که در یال "۲۵۱۹" تنگه واراس بودند، مخفی نمایند، اما به علت کمی تعداد گلوله و برخی مشکلات در پرتاب آنها و همچنین نداشتن تماس با نیروها، این امر به نتیجه نرسید.^(۳۵) به رغم تلاش قرارگاه برای ایجاد ارتباط با آنها، تا دو روز توفیقی حاصل نشد، تا این که در ۱۳۶۵/۶/۱۲ خبر رسید که فرمانده این گردان (هامون محمدی) و دو فرمانده گروهان تحت امر وی به نقطه رهایی بازگشته‌اند. فرمانده گردان در گفت‌وگو با راوی تیپ ۱۰۵ قدس گفت: «به دلیل قطع ارتباط و فشار دشمن، نیروهای تحت امر [ما] صدمات زیادی دیده و در محاصره دشمن مانده بودیم. بی‌سیم‌ها ارتباط نداشت و من حتی نمی‌توانستم کسب تکلیف کنم که آیا برگردم یا نه. با این وضعیتی که از نیروها در آن جا دیدم، ناچار شدم آنها را عقب بکشم و لذا به بچه‌ها دستور عقب‌نشینی دادم. نیروها را به دو گروه تقسیم کردم، گروه اول ۳۰ تا ۴۰ نفر بودند که به علت نبود نیروی اطلاعات - عملیات مجبور شدم مقداری از راه را با آنها پایین بیایم و به آنها جهت حرکت را نشان بدهم تا موقع برگشت روی مین نروند، اما ناگهان از بالای سرمان یعنی یال "۲۵۱۹" حدود سه قبضه تیربار و شاید هم بیش از ۱۰۰ نفر نیروی کلاش به دست دشمن، ما را به رگبار بستند. از این گروه ۳۰، ۴۰ نفری به جز چند نفری بقیه افتادند؛ من هم که این مهلکه را دیدم نه می‌توانستم بالا بروم و نه می‌توانستم پایین بیایم، لذا تصمیم گرفتم به اتفاق چند نفر پایین بیایم. وقتی داخل کانال رفتم متوجه شدم که صدای تیراندازی دشمن لحظه به لحظه نزدیک می‌شود، به بچه‌ها گفتم آماده شوید، اگر این جا بمانیم ما را اسیر می‌کنند. گروهی با دیدن این وضعیت ماندند و پایین نیامدند. به جانشین گروهان دوم گفته بودم که گروه دوم را عقب بیاورد او هم آمده بود که راه را پیدا کند، اما در لحظه برگشت متوجه شده بود که دشمن بالای سر بچه‌های گروه دوم رسیده و همه را محاصره و تسلیم

ضمیمه چهارم گزارش: ۷۶۶ پاتک‌های دشمن

به دنبال موفقیت نسبی تیپ ۹ بدر در محور چپ، دشمن کلیه فعالیت‌های خود را به این سمت معطوف کرد و از حدود ساعت ۳:۳۰ بامداد پاتک‌های خود را با اجرای آتش شدید برای تصرف مواضع از دست رفته آغاز کرد و در حالی که به نیروهای محاصره شده‌اش در مقرر فرماندهی (واقع در مثلی) دستور مقاومت تا هنگام رسیدن نیروهای کمکی می‌داد، به سمت ارتفاع صخره‌ای - که در صورت تصرف آن می‌توانست به یال و ارتفاع شهید صدر تسلط بهتری پیدا کند - یورش خود را آغاز کرد، اما در مواجهه با مقاومت شدید نیروهای خودی، سرکوب شد و ناچار عقب‌نشینی کرد.

مجدداً در ساعت ۸ صبح، دشمن با حمایت آتش شدید توپخانه پاتک خود را برای تصرف ارتفاع صخره‌ای آغاز کرد که این بار نیز با مقاومت شدید نیروهای تیپ ۹ بدر و تدابیر سنجیده فرمانده این تیپ (برادر شهید دقایقی) که سنگر به سنگر به نیروها سر می‌زد و آنها را تشویق به مقاومت می‌کرد، مجبور به عقب‌نشینی شد.

سومین پاتک دشمن در ساعت ۱۲ بعد از اجرای آتش سنگین، برای تصرف "نخته سنگی" آغاز شد که این بار نیز با مقاومت نیروهای خودی ناگزیر به عقب‌نشینی شد. دشمن با حفظ جناح چپ عملیات و تسلط کامل روی ارتفاع شهید صدر از روی تپه شهدا و ارتفاع ۲۵۱۹، تمام منطقه را زیر دید و تیر خود قرار داده بود که بر اثر آن، آمار شهدا و مجروحان خودی افزایش یافت و در نتیجه از توان کیفی و کمی نیروها بسیار کاسته شد. دقت و شدت آتش توپخانه دشمن به حدی بود که کانال‌های موجود و اکثر سنگرها را ویران کرد. همچنین اجرای آتش دشمن روی راه‌های تدارکاتی هرگونه تحرک نیروهای خودی را به منظور تدارک نیروهای تیپ ۹ بدر سلب کرده بود، اما حضور فرمانده این تیپ در میان نیروهای خودی باعث تقویت روحیه آنها شده بود.^(۳۷)

ضمیمه گزارش ۷۷۳ جنبش عدم‌تعهد و جنگ ایران و عراق^{۳۸}

(الف) تاریخچه و اصول کلی جنبش

جنبش عدم‌تعهد در روز ۱۸ آوریل ۱۹۵۵ در "باندونگ"، پایتخت اندونزی، در تاریخ ثبت گردید و اعضای آن با هدف رهایی و عدم تعهد در برابر بلوک‌های شرق و غرب حیات سیاسی خود را آغاز کردند. با گذشت زمان به تدریج تعداد اعضای جنبش افزایش یافت. تاریخچه جنبش عدم‌تعهد را از آغاز تاکنون می‌توان به چند دوره مشخص تقسیم کرد:

- ۱- عصر شکل‌گیری (۱۹۴۷ تا ۱۹۶۱): از کنفرانس مناسبات آسیایی در دهلی‌نو تا اولین اجلاس سران دولت‌های نامتعهد در بلگراد و اعلام وفاداری به "سیاست عدم تعهد".
- ۲- عصر تقویت همبستگی (۱۹۶۱ تا ۱۹۷۰): در این دوره در اجلاس‌های جنبش اختلاف نظر اعضا ناچیز بوده و در اکثر موارد وحدت نظر وجود داشته است.
- ۳- عصر شکاف (۱۹۷۰ تا ۱۹۷۶).
- ۴- عصر گرایش اقتصادی و نفوذپذیری (۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹): در اولویت قرار گرفتن اقتصاد نسبت به

≡ برای تهیه این ضمیمه، به‌طور کامل از کتاب "سازمان‌های بین‌المللی و جنگ ایران و عراق"، از انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، استفاده شده است.

سیاست و نفوذ قدرت‌های بزرگ در جنبش.

۵- عصر مفهوم جدید عدم تعهد (۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰): مفهوم "عدم تعهد" از نظر تئوری جنبه سیاسی و اقتصادی نیز یافت.

۶- عصر نظام نوین جهانی (۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴) به دنبال فروپاشی شوروی فکر بقا یا عدم‌بقا و ضرورت یا عدم‌ضرورت جنبش مطرح شد و سرانجام بدین نتیجه رسیدند که حفظ و حتی تقویت مجموعه جنبش عدم‌تعهد حداقل به عنوان یک باشگاه سیاسی که مرکز تجمع کشورهای با وجهه‌هایی مشترک در مقابل کشورهای بزرگ باشد، لازم است و می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شاید به گونه‌ای در شورای امنیت، مؤثر باشد.

شعار اصلی جنبش به‌رغم تفاوت‌های مذهبی، نژادی و سیاسی موجود، دو اصل "آزادی" و "وحدت" است. به‌طور کلی طبق نظریه‌ها، بیانیه‌ها و تصمیمات جنبش، اصول کلی آن عبارت‌است از:

- ۱- تحکیم و تقویت صلح بین‌المللی. ۲- احترام به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی کشورها. ۳- به‌رسمیت شناختن حق تعیین‌آزادانه سرنوشت. ۴- توسل نجستن به زور در روابط بین‌الملل. ۵- همزیستی مسالمت‌آمیز بین دولت‌ها. ۶- سیاست بی‌طرفی مثبت؛ همکاری نکردن با بلوک‌های سیاسی - نظامی موجود و محکوم کردن آنها. ۷- مبارزه با استعمار و امپریالیسم. ۸- همکاری اقتصادی و فرهنگی. ۹- دعوت نکردن از قدرت‌های بزرگ برای حضور نظامی در هر نقطه از جهان. ۱۰- حقوق بشر که در اجلاس ۱۹۹۴ قاهره به‌طور کامل مطرح گردید.

(ب) موضع جنبش عدم‌تعهد در قبال جنگ و صلح

برقراری، حفظ و تأمین صلح و امنیت در سراسر جهان، یکی از اهداف اساسی و اولیه جنبش است. این موضوع بارها در بیانیه‌ها، قطع‌نامه‌ها و اعلامیه‌های جنبش ذکر شده‌است، از جمله در اصل ۸ منشور باندونگ. همچنین به‌کار نبرد زور و فشار، پرهیز از تجاوز و تهدید نکردن به تجاوز، از اصول اولیه جنبش به‌شمار می‌رود. جنبش عدم‌تعهد، همزیستی مسالمت‌آمیز کشورها را تنها راه تحکیم صلح جهانی می‌داند و اعتقاد دارد که این همزیستی باید مبتنی بر آزادی، برابری و عدالت در یک چارچوب جدید از مناسبات صلح‌آمیز و هماهنگ بین ملت‌ها باشد. به‌علاوه، جنبش مداخله هر کشور در کشور دیگر را در بیانیه‌های متعدد خود صریحاً مردود دانسته‌است. حفظ تعهدات بین‌المللی کشورها نیز از جمله مواردی است که در بیانیه‌های جنبش مورد تأیید اعضا قرار گرفته و موضوعات مربوط به خلع سلاح کامل عمومی، استفاده صلح‌آمیز از نیروی اتمی، اتحادیه‌های نظامی، وجود بلوک‌های نظامی، پایگاه‌ها و تأسیسات نظامی را مورد بررسی قرار داده است. به‌طور کلی می‌توان مواضع جنبش عدم تعهد در قبال جنگ و صلح را شامل این موارد دانست:

- ۱- مردود دانستن هرگونه تجاوز و تهدید به تجاوز از کشوری به کشور دیگر.
- ۲- ناپسند شمردن استفاده از هرگونه ابزار فشار، زور و تهدید برای حل مناقشات دولت‌ها.
- ۳- جنبش هدف اساسی خود را برقراری صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند.
- ۴- همزیستی مسالمت‌آمیز و همبستگی بین اعضا از اصول اولیه جنبش است.
- ۵- حل مناقشات و اختلافات مرزی را با روش‌ها و ابزارهای مسالمت‌آمیز مورد توجه قرار می‌دهد.
- ۶- هرگونه حضور نظامی بیگانه در محوطه آب‌های دولت‌های غیرمتعهد را مردود می‌شمارد.
- ۷- تأکید بر خلع سلاح عمومی و به‌کارگیری مطلوب و غیرنظامی انرژی هسته‌ای دارد.

(ج) عضویت ایران و عراق در جنبش عدم‌تعهد

ایران در کنفرانس‌های مناسبات آسیایی و باندونگ شرکت کرد، ولی بعداً به دلیل پیوستن به پیمان

نظامی بغداد^۱ در سال ۱۹۵۵ نتوانست در اولین اجلاس جنبش در بلغراد حضور یابد. در خرداد ۱۳۵۸ (۱۹۷۹) وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران اعلام نمود که ایران به جنبش غیرمتعهدها خواهد پیوست و درخواست رسمی عضویت ایران را تسلیم دولت سریلانکا - رئیس وقت جنبش - کرد. سپس هیئتی در سطح معاون وزیر خارجه از ایران به کلمبو اعزام شد تا در اجلاس دفتر هماهنگی جنبش شرکت کند. در همین اجلاس عضویت ایران به تصویب رسید، ولی تصویب نهایی آن در اجلاس دفتر هماهنگی در هاوانا (۱۹۷۹) به عنوان هشتاد و هشتمین عضو جنبش صورت گرفت.

دولت عراق نیز در کنفرانس مناسبات آسیایی در دهلی نو و کنفرانس باندونگ حضور داشت و اعلامیه باندونگ و ده اصل منشور آن را تأیید کرد. با خروج عراق از پیمان بغداد (در سال ۱۹۵۸) این کشور توانست به عضویت جنبش عدم تعهد درآید.

د) سیر تاریخی مواضع جنبش عدم تعهد در قبال جنگ ایران و عراق
عراق در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۲) با لغو عهدنامه مرزی سال ۱۹۷۵ که در الجزایر با ایران بسته بود، تهاجم سراسری خود را به خاک ایران آغاز کرد. با توجه به این که ایران و عراق در آن زمان هر دو از اعضای جنبش عدم تعهد بودند و جنبش نیز یکی از مهم ترین اهداف خود را حفظ صلح و امنیت بین المللی و نفی هرگونه تجاوز و سلطه اعلام کرده بود، می بایست در این زمینه اقدامی اساسی و بازدارنده می کرد. گفتنی است که وقوع این تجاوز، پدیده ای نوظهور برای جنبش نبود، زیرا پیش از آن نیز کشورهایی غیرمتعهد دچار جنگ^۲ شده بود، نظیر کشورهای "شاخ آفریقا"؛ آنچه مهم است و باید در آن درنگ کرد این است که تلاش های جنبش برای پایان بخشیدن به آن جنگ های خانمان سوز، کم اثر و شاید بتوان گفت در اکثر موارد بی اثر بوده است^۳ جز در مورد درگیری بین چین و هند در سال ۱۹۶۵ میلادی - و سرانجام ابرقدرتها بوده اند که با توجه به منافعشان آتش آن جنگ ها را خود - مستقیم یا غیرمستقیم - برافروخته بودند، خود نیز با عنایت به همان منافع، آن را خاموش کرده اند؛ البته در اجرای این سیاست، از صحنه شورای امنیت برای موجه نمایش دادن آن نیز هنرمندانه استفاده برده اند.

ح) تشکیل کمیته حسن نیت و اعزام هیئت های نمایندگی به دو طرف درگیر در جنگ ۱۹۸۰
کشورهای غیرمتعهد از همان روزهای آغاز جنگ فعالیت هایی را برای خاتمه دادن به آن شروع کردند. برای این کار، جنبش "کمیته حسن نیت" را مرکب از نمایندگان کشورهای کوبا، یوگسلاوی، الجزایر، زامبیا، هند، پاکستان و سازمان آزادی بخش فلسطین تشکیل داد. سپس این کمیته، هیئتی شامل وزیران خارجه کوبا، هند و گروهی از یوگسلاوی برای ایجاد تفاهم بین ایران و عراق به این دو کشور اعزام کرد. شواهد نشان می دهد که عراق به علت این که در آن زمان در موضع قدرت قرار داشت و نیروهایش بخش هایی از خاک ایران را اشغال کرده بودند، اصولاً خواهان موفقیت کار این کمیسیون نبوده است، لذا با این استدلال که چون الجزایر یک کشور عربی است و در جنگی که یک کشور عربی دیگر در آن درگیر است نباید مداخله کند، با حضور الجزایر در این کمیته مخالفت کرد و کار وزیران خارجه کشورهای

≡ این پیمان در سال ۱۹۸۵ با خروج عراق از آن تبدیل به پیمان "سنتو" گردید.

≡ منظور از جنگ، چه جنگ میان دو کشور، چه در درون یک کشور میان مردم و نظام حاکم بر آنان یا میان قوم های آن کشور، است.

≡ این خاصیت جنبش عدم تعهد (پرداختن به تلاش های بی ثمر) در جنگ های بعد از جنگ ایران و عراق نیز به قوت خود باقی بود، از جمله در وقایع جان گزای بوسنی هرزگوین، همچنین در بلوای افغانستان، حمله عراق به کویت، ویران شدن عراق به دست امریکایی ها و متحدانش.

مذکور را دچار اختلال کرد. گفتنی است که سازمان آزادی‌بخش فلسطین هم یک سازمان عربی بود ولی عراق با حضور آن در کمیسیون مخالفتی نداشت!

به دنبال این جریان، جنبش یک قطع‌نامهٔ پیشنهادی در مورد جنگ صادر کرد که در آن از ایران و عراق درخواست شده بود از هرگونه تهدید [جدی] یا توسل به زور در مناسباتشان خودداری کنند. در این قطع‌نامه لزوم پایان دادن به جنگ مورد تأکید قرار گرفته و به "اصل مردود بودن تصرف سرزمین دیگران"، "توسل به تهدید" و یا "اعمال زور" و همچنین به اصل "مداخله نکردن در امور داخلی دیگر کشورها" استناد شده بود.

در آبان‌ماه ۱۳۵۹ کمیتهٔ حسن‌نیت در نظر داشت با برگزاری مجدد جلسه‌ای در بغداد، تلاش دیگری را برای برقراری آتش‌بس بین ایران و عراق آغاز کند ولی دولت جمهوری اسلامی ایران به ریاست شهید محمدعلی رجایی (نخست‌وزیر وقت ایران) در یادداشتی که برای رهبران یوگسلاوی فرستاد، تأکید کرد که دولت [ایران] هیچ‌گونه آتش‌بسی را تا زمانی که نیروهای عراقی از خاک ایران خارج نشوند نخواهد پذیرفت. بدین‌سان این بار نیز تلاش کمیتهٔ حسن‌نیت به دلیل نپرداختن به ریشهٔ مسئله، با ناکامی روبه‌رو گردید، بنابراین موضع‌گیری‌های ایران و عراق باعث شد تا عملاً کار کمیتهٔ حسن‌نیت تعطیل گردد و نتیجه‌ای از مذاکرات و رفت و آمدها حاصل نشود.

اجلاس دفتر هماهنگی جنبش غیرمتعهدها در نیویورک (۱۹۸۰)

در دسامبر ۱۹۸۰ (آذر ۱۳۵۹) اجلاس دفتر هماهنگی جنبش غیرمتعهدها در نیویورک تشکیل شد. نمایندهٔ جمهوری اسلامی ایران در این اجلاس از سکوت سه‌ماههٔ جنبش در مورد تجاوز عراق علیه ایران انتقاد کرد و از اعضای آن درخواست کرد تا تجاوز عراق را که مغایر اصول پذیرفته شده جنبش عدم‌تعهد است، مورد توجه قرار دهند و اقدامات لازم را به عمل آورند. متأسفانه اعضای جنبش در پاسخ این تقاضا، همچنان سکوت کردند.

اجلاس وزیران خارجه جنبش غیرمتعهدها در دهلی‌نو (۱۹۸۱)

همچنین اجلاس وزیران خارجهٔ جنبش عدم‌تعهد در فوریه ۱۹۸۱ (بهمن ۱۳۵۹)، پنج ماه بعد از شروع تهاجم سراسری عراق به ایران در دهلی‌نو تشکیل گردید. در این اجلاس هیئتی از جمهوری اسلامی ایران به سرپرستی آقای بهزاد نبوی شرکت کرد. این هیئت درخواست‌ها و نظرگاه‌های ایران را در خصوص جنگ به این شرح مطرح ساخت:

۱- با بررسی کامل مسئله جنگ و کسب اطلاعات کافی دربارهٔ آن، جنبش موضع قطعی خود را در قبال این تجاوز اعلام و متجاوز را محکوم نماید و عضویت متجاوزگر را به حالت تعلیق درآورد.

۲- رفع تجاوز و خروج بدون قیدوشرط نیروهای متجاوز باید اساسی‌ترین و اولین شرط آغاز هر تلاشی برای خاتمه جنگ باشد.

۳- دولت ایران قبل از رفع تجاوز و خروج کامل ارتش عراق، هیئت‌هایی را خواهد پذیرفت که از مواضع دوطرف درگیر مطلع باشند.

همچنین افزوده شد که با توجه به این که ایران از سازمان ملل متحد درباره جنگ هیچ‌گونه درخواستی نکرده‌است، هرگونه تضمین جنبش عدم‌تعهد در این مورد، مؤید کارایی و استقلال آن (جنبش) خواهد بود. در مقابل این درخواست‌ها، نظر دولت هند به عنوان میزبان و نیز برخی دیگر از اعضای جنبش این بود که مسائلی از قبیل جنگ ایران و عراق، افغانستان و... نباید در کنفرانس مطرح شود، زیرا این‌گونه موضوعات باعث بروز اختلافات و تضعیف جنبش و در نهایت، موجب بهره‌برداری ابرقدرت‌ها از این اختلافات خواهد شد و این امر در نهایت به زیان جنبش عدم‌تعهد خواهد بود. همین موضوع سبب شد که موضع مشخصی در مورد جنگ [ایران و عراق] اتخاذ نگردد. البته ضعف این گونه دلایل با توجه به اهداف، وظایف و اصول

جنبش عدم تعهد کاملاً بدیهی و آشکار است. باری، تنها اقداماتی که در آن کنفرانس انجام گرفت، چنین است:

۱- محکوم کردن نفس جنگ توسط ایندیراگاندی (رئیس جنبش عدم تعهد) و کورت والدهایم (دبیرکل سازمان ملل متحد) که در اجلاس حضور داشت و اظهار نگرانی از جنگ ایران و عراق و پی‌آمدهای آن و اظهار امیدواری که هر چه زودتر جنگ به صورت صلح‌آمیز و عادلانه پایان پذیرد.

۲- در ماده ۸۶ بیانیه نهایی، وزیران خارجه جنبش ضمن اظهار نگرانی از جنگ پنج ماهه ایران و عراق و خسارت‌های ناشی از آن، بر اصول جنبش عدم تعهد یعنی تجاوز نکردن، به کار نبرد زور، حفظ تمامیت ارضی کشورهای عضو، حل اختلافات از طریق صلح‌آمیز و... تصریح و تأکید کردند.

اجلاس وزیران خارجه جنبش غیرمتعهدها در هاوانا و تغییر محل کنفرانس هفتم سران (۱۹۸۲)

به دنبال اجلاس دهلی‌نو (۱۹۸۱) در پنجم سپتامبر ۱۹۸۱، ایران و سوریه رسماً خواستار تغییر محل کنفرانس هفتم سران از بغداد - که قبلاً معین گردیده بود - به جایی دیگر شدند. همچنین ایران یادآور شد که در صورت برگزاری اجلاس هفتم سران جنبش در بغداد، نه در آن شرکت می‌کند، نه مصوبات آن را به رسمیت می‌شناسد. عراق نیز سه روز بعد درخواست کرد که دفتر هماهنگی جنبش عدم تعهد برای بحث درباره میزبانی کنفرانس هفتم سران تشکیل جلسه دهد. در نتیجه، اجلاس وزیران خارجه دفتر هماهنگی جنبش عدم تعهد در هاوانا در ۳۱ ماه ژوئن ۱۹۸۲ تشکیل شد که در آن بر اثر اوج‌گیری فشارهای درونی جنبش، تلاش‌های دیپلماتیک ایران و سوریه و پیروزی‌های نیروهای ایرانی در شرق بصره، برای اولین بار در تاریخ جنبش، میزبانی کنفرانس که از شش سال قبل تصویب شده بود، مورد سؤال قرار گرفت و در نتیجه در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۲ موافقت اعضای جنبش با تغییر محل کنفرانس اعلام شد. و محل برگزاری کنفرانس هفتم سران از بغداد به دهلی‌نو انتقال یافت. این موضوع برای ایران یک پیروزی سیاسی و بالعکس برای عراق یک شکست محسوب می‌شد و شاید تنها دست‌آورد عملی و موفق جنبش عدم تعهد در مورد جنگ ایران و عراق باشد. در این اجلاس همچنین به حمایت از سفر هیئت‌های جنبش عدم تعهد به تهران و بغداد اکتفا گردید. کمیته حسن‌نیت نیز بعد از ملاقات با وزیران خارجه دو کشور درگیر جنگ، به این نتیجه رسید که شرایط مناسب برای اجرای صلح و ابتکار جدید وجود ندارد.

اجلاس هماهنگی جنبش غیرمتعهد در نیویورک (اکتبر ۱۹۸۲)

در این اجلاس، گزارش پیش‌رفت‌های کمیته حسن‌نیت جنبش عدم تعهد در مورد جنگ ایران و عراق تسلیم سرپرست اجلاس گردید. بیانیه نهایی دفتر هماهنگی جنبش در بند ۲۱ خود به ایران و عراق و سایر کشورها توصیه کرد که از اعمالی که باعث بروز و توسعه جنگ می‌شود، خودداری کنند.

اجلاس هفتم سران (دهلی‌نو، ۷ تا ۱۲ مارس ۱۹۸۳)

در این کنفرانس جنگ ایران و عراق به عنوان محور اصلی کار اجلاس به تفصیل مورد بحث قرار گرفت ولی درباره چگونگی و علل بروز آن و نحوه برقراری صلح توافق حاصل نشد، در نتیجه هیچ‌گونه موضعی اساسی درباره آن (جنگ) نیز اعلام نگردید. دلایل بررسی موضوع جنگ در این کنفرانس را می‌توان موارد ذیل دانست:

۱- تغییر محل کنفرانس سران از بغداد به دهلی‌نو به دلیل اوضاع جنگی و ناامنی بغداد پایتخت عراق.

۲- پیروزی‌های مکرر ایران در جبهه‌های نبرد.

۳- آشکار شدن ضعف عراق در جنگ با ایران.

در این اجلاس نیز ایران اعلام کرد: «صلح عادلانه، واقعی و شرافت‌مندانه زمانی متحقق می‌شود که نیروهای اشغالگر از تمامی نقاط تحت اشغال خارج شوند؛ خسارت ناشی از تجاوز تأدیه شود؛ متجاوز محکوم و مجازات گردد.» به طور کلی در این اجلاس نیز موضع مشخص و روشنی در خصوص جنگ اتخاذ

نشد و آغازگر جنگ برخلاف اصول عدم تعهد معلوم و محکوم نگردید.

اجلاس وزیران خارجه جنبش غیرمتعهدها، رواندا (۴ تا ۷ سپتامبر ۱۹۸۵)

در این اجلاس موضوع جنگ ایران و عراق که در پیش‌نویس بیانیه سیاسی به طور مختصر دولت آنگولا، (میزبان اجلاس) آن را ذکر کرده بود، در آخرین ساعات کنفرانس پس از بحث‌های بسیار در کمیته سیاسی، به دلیل حاصل نشدن توافق در زمینه تهیه یک متن مورد قبول برای دو طرف درگیر جنگ، از دستور کار جنبش حذف گردید. بنابراین در این اجلاس نیز در خصوص جنگ ایران و عراق هیچ موضعی اتخاذ نگردید.

اجلاس دفتر هماهنگی جنبش غیرمتعهدها، دهلی نو (۱۶ تا ۱۹ آوریل ۱۹۸۶)

در این اجلاس نیز جنگ ایران و عراق مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در آغاز رئیس کنفرانس طی نطقی گفت: «ما از ایران و عراق می‌خواهیم که به جنگ خاتمه دهند. تمایل جهانی این است که جنگ باید یک‌باره متوقف گردد و دو طرف از طریق مذاکره و روش‌های صلح‌آمیز به یک صلح آبرومندانه، عادلانه و پایدار دست یابند.»

نمایندگان ایران و عراق نیز هر یک جداگانه به ایراد نطق‌هایی در مورد وضعیت جنگ و شرایط دولت خود برای پایان بخشیدن به آن پرداختند. علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه ایران در این اجلاس گفت: «پنج سال پس از تجاوز رژیم بعث عراق به قلمرو جمهوری اسلامی ایران، نهضت عدم تعهد هنوز نتوانسته است موضع صحیح و عادلانه‌ای در قبال این تجاوز اتخاذ نماید. برای مردم ما عجیب نبود که سازمان ملل متحد با نفوذی که کشورهای قدرتمند در آن دارند، دست به موضع‌گیری یک طرفه و کاملاً غیرمنطقی و غیرعادلانه بزند، ولی در مورد نهضت عدم تعهد انتظارات به نحو دیگری بود...»

اجلاس هشتم سران، حراره (۱ تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۶)

در این اجلاس رئیس‌جمهور وقت ایران حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در نطقی عمیق و صریح به بررسی مواضع ایران در قبال مسائل جاری جهان و نیز جنگ تحمیلی پرداخت. ایشان در بخشی از سخنان خود گفت: «آیا هیچ جنایتی زشت‌تر از اشغال نظامی یک کشور یا اقدام به تجاوز برای دستیابی به سلطه سیاسی و اقتصادی بر یک ملت وجود دارد؟... از جنبش البته توقع نیست که مانند یک پیمان نظامی وارد معرکه شود، لیکن این انتظار است که شجاعانه و صادقانه از حق و از مظلوم و قربانی تجاوز و سلطه‌طلبی، دفاع کند. صلح به‌طور کلی و به ویژه برای منطقه حساس ما یک انتخاب نیست، یک ضرورت حیاتی است. ما چاره‌ای جز این نداریم که با مجازات قطعی رژیم متجاوز، جنگ‌افروز و باج‌گیر عراق، برقراری و استحکام چنین صلحی را در منطقه تضمین کنیم...»

در بیانیه سیاسی اجلاس سران در حراره، بخشی به جنگ ایران و عراق اختصاص یافت که مشتمل بر بندهای ۱۴۶ تا ۱۴۸ بیانیه بود:

بند ۱۴۷: رؤسای کشورها یا دولت‌ها بر اصل "استفاده نکردن از زور در روابط بین‌المللی" در رابطه با جنگ جمهوری اسلامی ایران و عراق تأکید می‌ورزند.

بند ۱۴۷: در این زمینه از آغاز و ادامه خصومت‌ها بین دو کشور که هر دو از اعضای مهم جنبش عدم‌تعهد هستند، ابراز نگرانی عمیق می‌شود.

بند ۱۴۸: سران کشورها یک‌بار دیگر از جمهوری اسلامی ایران و عراق می‌خواهند که خصومت‌های خود را به منظور اجتناب از خسارت‌های مالی و تلفات جانی، خاتمه دهند. سران کشورهای عدم تعهد یک‌بار دیگر خودشان را متعهد می‌کنند که برای خاتمه سریع این درگیری وحشتناک کوشش کنند.

ایران بر این اظهار نظر جنبش در مورد جنگ، چنین ایراد وارد کرد:

۱- به مسئولیت عراق در آغاز و ادامه جنگ اشاره‌ای نشده است.

- ۲- عراق به عنوان مسئول این جنایت بزرگ بین‌المللی محکوم نگردیده است.
 - ۳- دعوت به اتخاذ "سیاست مداخلات با متجاوز" در شأن جنبش عدم‌تعهد نیست.
 - ۴- اقدام عراق به نقض مقررات متعدد بین‌الملل نادیده گرفته شده است. استفاده مکرر عراق از سلاح‌های شیمیایی - که در این مورد دو روز پیش نیز برای چندمین بار شورای امنیت این کشور را مجرم شناخت و محکوم کرد - در واقع میزان احترام رژیم این کشور را به اصول جنبش آشکارا نشان داده است، ولی اجلاس به این حملات شیمیایی اهمیتی نداده و آن را محکوم نکرده است!
 - ۵- بیانیه کمیته سیاسی به هیچ‌وجه بیانگر واقعیت جنگ نیست.
- رئیس‌جمهوری ایران بعد از بازگشت از اجلاس در مصاحبه‌ای اعلام کرد:
- «... و برادران کارشناس وزارت‌خارج و اعضای ما در این کمیته با تلاش و کوشش بسیار چشمگیر و جالب خودشان، کاری کردند که این طرح به کلی رد شد به طوری که نماینده عراق با عصبانیت کمیته را ترک کرد... رئیس جنبش عدم‌تعهد تصدیق کرده است شروع کننده جنگ تحمیلی عراق است و مستحق تنبیه می‌باشد...» ایشان اضافه کرد:
- به‌طور کلی در این اجلاس برای اولین بار جنبش غیرمتعهدها بدون این که نام عراق را بر سر زبان آورد، آغاز و ادامه جنگ را محکوم کرد. آنچه بیانگر محکوم کردن متجاوز است عبارت "ابراز تأسف عمیق از آغاز و ادامه خصومت‌ها" می‌باشد و این برای اولین بار بود که جنبش سخن از تأسف از "رفتار آغازگر جنگ" به میان می‌آورد. در این اجلاس همچنین کمیته هفت‌جانبه جامعه عرب، در مقر هیئت عراق تشکیل جلسه داد و در مورد تحولات جنگ ایران و عراق و نتایج تماس‌های این کمیته با کشورهای جهان در جهت خاتمه دادن به این جنگ بحث و تبادل نظر کرد.
- کوشش‌هایی که ایران در اجلاس حاره برای محکوم شدن متجاوز کرد، اظهار تأسف عمیق جنبش از آغاز و ادامه جنگ و نیز موافقت برخی از سران شرکت‌کننده با نظر ایران را در پی آورد که این خود بیانگر موفقیت ایران در آن اجلاس در خصوص اثبات برحق بودن خود در جنگ با عراق، بود. این توضیح لازم است که موافقت برخی از سران با نظر ایران، آشکارا بیان نشد، بلکه مانند سخنان رئیس‌جمهوری بورکینافاسو در دیدار با رئیس‌جمهوری ایران بود که گفت:
- «من احساس می‌کنم در این جنگ حق با ایران است، ولی متأسفانه کسی جرأت نمی‌کند بگوید!»
- بعد از اجلاس حاره (حرکت در چارچوب سازمان ملل متحد)
- به‌دنبال اجلاس حاره، جنبش در جهت حرکت سازمان ملل متحد و گاهی در چارچوب آن به اقداماتی برای خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق دست زد. با تصویب قطع‌نامه ۵۹۸ در سازمان ملل، جنبش غیرمتعهدها حمایت خود را از آن نیز اعلام کرد و خواستار اجرا و پی‌گیری آن شد. در اواخر شهریور ۱۳۶۶ (۱۹۸۷) نیز راجیوگاندی در نامه‌ای به پارلمان کشورش خواستار خاتمه سریع جنگ از طریق مسالمت‌آمیز شد. وی در این نامه خاطر نشان کرد که کشور متبوعش با "رابرت موگابه" رئیس جنبش عدم‌تعهد در تماس دائم است تا این جنبش به تلاش‌های جدیدی در زمینه پایان یافتن جنگ ایران و عراق دست نزند. وی در این نامه نوشته بود: «جنبش عدم‌تعهد جهت پایان دادن به این جنگ، تمامی گام‌های ضروری خود را برداشته است. به عقیده هند خاتمه یافتن سریع جنگ ایران و عراق می‌تواند به تقویت جنبش عدم‌تعهد و نیز به سرعت بخشیدن به تلاش‌های این جنبش در جهت پیشرفت اجتماعی و برقراری صلح در جهان، کمک کند.»
- اجلاس وزیران خارجه و نمایندگان جنبش غیرمتعهدها، نیویورک (۷ تا ۱۵ اکتبر ۱۹۸۷)
- وزیران امور خارجه و سرپرستان هیئت‌های نمایندگی جنبش غیرمتعهدها که برای شرکت در اجلاس چهل و دوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک (۵ تا ۷ اکتبر ۱۹۸۷) گردآمده بودند، جلسه‌ای

برگزار کردند و در بیانیه نهایی خود پس از تأکید بر "اصل به کار نبردن زور در روابط بین‌المللی" و اظهار نگرانی عمیق از آغاز و ادامه جنگ جمهوری اسلامی ایران و عراق - که هردو کشور از اعضای مهم جنبش خوانده شدند - یک‌بار دیگر از دو کشور درگیر خواستند که به منظور اجتناب از تلفات جانی و خسارات مالی بیش‌تر، به مناقشات خود خاتمه دهند. همچنین بر به‌کارگیری هر تلاشی در جهت خاتمه سریع جنگ اصرار ورزیدند. در بند ۶۵ بیانیه این اجلاس آمده‌است:

«وزیران و رؤسای هیئت‌های نمایندگی از کوشش‌های اخیر شورای امنیت سازمان ملل متحد برای ارائه یک راه‌حل جامع، عادلانه و آبرومندانه مورد قبول هر دو کشور ایران و عراق (تصویب قطع‌نامه ۵۹۸) تقدیر کردند و از شورای امنیت خواستند که کوشش‌های خود را برای صلح، دوچندان نماید.»
بنابراین از این زمان به بعد تلاش‌ها و اقدامات عدم تعهد متوجه قدرت‌های شورای امنیت و پیرامون قطع‌نامه ۵۹۸ این شورا بود.

پس از این که جمهوری اسلامی ایران قطع‌نامه ۵۹۸ را پذیرفت، رژیم عراق مجدداً با توسل به زور و به کارگیری نیروی نظامی، تمامیت ارضی ایران را مورد تجاوز قرار داد. در پی این ماجرا، وزیر امور خارجه ایران (آقای علی‌اکبر ولایتی) در نامه‌ای به رئیس جنبش عدم‌تعهد اعلام کرد:

«این اقدامات تجاوزکارانه رژیم بعث عراق نه تنها نشان‌دهنده واهی بودن ادعاهای گذشته آن رژیم در خصوص قطع‌نامه ۵۹۸ و صلح‌طلبی می‌باشد، بلکه گواه روشنی بر خوی تجاوزگری حاکمان آن کشور و صحت ادله ارائه شده جمهوری اسلامی ایران در این زمینه به شمار می‌رود. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای فعال جنبش عدم‌تعهد انتظار دارد نهضت عدم تعهد ضمن محکومیت این تجاوزات، اقدامات لازم و بازدارنده را در مواجهه با چنین رژیم متجاوز به عمل آورد تا بدین ترتیب بتواند نقش سازنده خود را در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ایفا نماید.»

اجلاس وزیران خارجه جنبش غیرمتعهد، نیکوزیا (۵ تا ۱۰ سپتامبر ۱۹۸۸)

در این اجلاس هیئتی از سوی ایران به سرپرستی معاون بین‌المللی وزارت امور خارجه^۳ شرکت کرد. در آغاز رئیس جنبش عدم‌تعهد (واسیلیوس، رئیس‌جمهور قبرس) از نقش دبیرکل سازمان ملل در برقراری صلح میان ایران و عراق ستایش کرد و در پایان صحبتش خواستار تلاش همه‌جانبه جنبش عدم‌تعهد در جهت تحکیم مواضع سازمان ملل شد. موضوعاتی که ایران در این اجلاس مطرح کرد، چنین بود: محکوم کردن حمله شیمیایی عراق علیه کردها؛ متهم ساختن عراق به این که در پی تغییر چارچوب مذاکرات ژنو است و تقاضا از کلیه ناوگان‌های خارجی برای خروج از خلیج فارس.

در این نشست وزیران خارجه غیرمتعهدا ضمن پذیرش کامل قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد و استقبال از مذاکرات مستقیم ایران و عراق، ابراز امیدواری کردند که مذاکرات دو کشور با پیش‌رفت توأم باشد. وزیر خارجه تونس نیز از توقف جنگ بین ایران و عراق به عنوان یک پیروزی برای کشورهای منطقه یاد کرد. در کمیته سیاسی اجلاس نیز چهار موضوع در قالب مواد ۱۲۳ تا ۱۲۶ در مورد جنگ ایران و عراق تصویب شد:

«ماده ۱۲۳: وزیران عدم تعهد رضایت عمیق خود را از تصمیم دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و عراق برای پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت به‌منظور خاتمه جنگ و به‌ویژه توقف محاصرات از ۲۰ اوت ۱۹۸۸ و شروع مذاکرات مستقیم تحت نظارت دبیرکل سازمان ملل متحد در جهت رسیدن به یک راه‌حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار در مورد جنگ، اعلام می‌کنند.»

۳ وزیر امور خارجه آقای علی‌اکبر ولایتی و نیز وزیر امور خارجه عراق (طارق عزیز) به دلیل پی‌گیری روند مذاکرات صلح در ژنو، نتوانستند در اجلاس غیرمتعهدا شرکت نمایند.

در مواد ۱۲۴ تا ۱۲۶ نیز بر همکاری وزیران خارجه کشورهای جنبش عدم تعهد با دبیرکل سازمان ملل متحد تأکید شده و از تلاش‌های دبیرکل این سازمان و شورای امنیت و اعضای غیرمتعهد آن و کشورهایی که به گروه ناظر بر آتش‌بس (Unimog) در جنگ ایران و عراق کمک کرده‌اند، قدردانی شده‌است. همچنین با اشاره به مذاکرات ژنو، از دو طرف خواسته شده‌است تا برای رسیدن به یک تفاهم مشترک و تسریع در اجرای قطع‌نامه ۵۹۸ از خود حسن‌نیت نشان دهند و برای اجرای کامل آتش‌بس در جنگ خلیج فارس، با دبیرکل سازمان ملل متحد همکاری کنند. به علاوه، خاتمه جنگ ایران و عراق را عاملی در جهت تقویت وحدت و تحکیم نقش جنبش غیرمتعهدها در حل مسائل بین‌المللی دانستند. وزیران خارجه جنبش عدم تعهد همچنین با یادآوری قطع‌نامه ۶۱۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد (مورخ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۵)، تأسف عمیق خود را از سقوط هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی ایران بر اثر اصابت موشک شلیک شده از کشتی جنگی آمریکا در خلیج فارس، ابراز کردند. به علاوه، ضرورت پرداخت غرامت از آمریکا به ایران و کشورهای ذینفع به دلیل وارد آوردن صدمات مالی و جانی در حادثه هواپیمای ایرباس را نیز مورد تأکید قرار دادند.^(۳۸)

≡ برای آگاهی بیش‌تر از شکل‌گیری، ساختار، تاریخچه و اصول جنبش؛ مفهوم، ماهیت و اهداف جنبش؛ تحلیل و تبیین مواضع جنبش در مسائل جهانی؛ تحلیل مواضع جنبش در قبال جنگ ایران و عراق با توجه به اصول و منشور باندونگ؛ علل برخورد ضعیف و دوگانه جنبش با مسائل جنگ ایران و عراق، رجوع شود به کتاب سازمان‌های بین‌المللی و جنگ ایران و عراق مقاله "جنبش عدم تعهد"، از انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران.

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۶۵/۶/۱۰

- ۱- سند شماره ۶۵۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش "عملیات لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در اسکله العمیه"، راوی: شهید سیدمحمد اسحاقی، صص ۶۳ تا ۷۰ و نوار شماره ۲۰۳۲۷؛ و- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: جنگ در سال ۱۳۶۵ (تهران: سپاه پاسداران، ۱۳۶۷)، صص ۱۶۰ تا ۱۶۲.
- ۲- سند شماره ۲۸۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: "عملیات کربلای ۲"، گزارش راوی تیپ ۹ بدر، راوی: علی‌مژده‌ی، صص ۶۴ و ۶۵.
- ۳- پیشین، ص ۶۵.
- ۴- سند شماره ۲۸۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: "عملیات کربلای ۲"، گزارش راوی قرارگاه حمزه، راوی: سعید سمردی، صص ۴۲ و ۴۳ و مآخذ ۲، صص ۹۳ تا ۹۷.
- ۵- پیشین، ص ۴۳.
- ۶- مآخذ شماره ۴، ردیف اول، ص ۴۴؛ و- سند شماره ۱۵۴۵۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: "گزارش نوبه‌ای و اطلاعاتی" شماره ۲۴، نیروی زمینی ارتش، ۱۳۶۵/۵/۱۲، ص ۸.
- ۷- مآخذ شماره ۴ ردیف اول، صص ۴۴ و ۴۵.
- ۸- مآخذ شماره ۴ ردیف اول، صص ۴۵ و ۴۶.
- ۹- سند شماره ۱۲۵۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفترچه ثبت جنگ راوی قرارگاه نصرت در عملیات جزیره مجنون، راوی: عبدالله درویشی، ۱۳۶۵/۵/۱۸ تا ۱۳۶۵/۶/۱۶، صص ۹۲ تا ۱۰۸ و نوار شماره ۲۰۵۷۳؛ و- سند شماره ۳۳۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: "عملیات محدود در جزیره مجنون"، گزارش راوی قرارگاه کربلا، راوی: عبدالله درویشی، صص ۸۷ تا ۹۱.
- ۱۰- سند شماره ۱۵۴۱۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: "گزارش نوبه‌ای و اطلاعاتی"، شماره ۱۴۹۹، قرارگاه عملیاتی جنوب (رکن ۲)، ۱۳۶۵/۶/۸ تا ۱۳۶۵/۶/۱۰، ص ۱.
- ۱۱- روزنامه کیهان، ۱۳۶۵/۶/۱۱، ص ۳.
- ۱۲- سند شماره ۰۸۴۰۶۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: فرماندهی کل سپاه، ۱۳۶۵/۶/۱۰.
- ۱۳- سند شماره ۹۷۰۱۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: سپاه ناحیه ایلام، "آمار نیروهای اعزامی حماسه‌سازان عاشورا از ایلام"، ۱۳۶۵/۷/۳.
- ۱۴- سند شماره ۰۸۴۰۸۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفتر نمایندگی امام در سپاه ناحیه ویژه قم، "اعزام نیرو به جبهه از ناحیه قم"، ۱۳۶۵/۶/۱۱.
- ۱۵- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۵/۶/۱۰، ص ۱۴.
- ۱۶- اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، "بررسی مطبوعات جهان"، نشریه شماره ۱۱۸۶، ۱۳۶۵/۸/۷، صص ۲۱ تا ۲۳، نشریه تلکس کنفیدانسیل، چاپ فرانسه، به نقل از نشریه مرکز مطالعات استراتژیک تل‌آویو، اسرائیل.
- ۱۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۶، ۱۳۶۵/۶/۱۱، صص ۲۲ تا ۲۶، به نقل از روزنامه امریکایی "واشنگتن پست".
- ۱۸- روزنامه کیهان، ۱۳۶۵/۶/۱۰، ص ۲۰، حراره، خبرگزاری‌ها.
- ۱۹- واحد مرکزی خبر صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، بولتن "رادیوهای بیگانه"، ۱۳۶۵/۶/۱۶، ص ۱۱، به نقل از رادیو آمریکا، ۱۳۶۵/۶/۱۰.
- ۲۰- مآخذ شماره ۱۷، ص ۱۷، حراره، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۵/۶/۱۰.
- ۲۱- مآخذ شماره ۱۷، ص ۲۱، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی.
Year, S Book U.N.86 S/18307.
- ۲۳- روزنامه کیهان، ۱۳۶۵/۶/۱۰، ص ۳.
- ۲۴- روزنامه کیهان، چاپ لندن، ۱۳۶۵/۶/۲۰.
- ۲۵- مآخذ شماره ۱، صص ۶۳ و ۷۰ و نوار شماره ۲۰۳۲۷.
- ۲۶- مآخذ شماره ۲، ص ۱۰۴.
- ۲۷- مآخذ شماره ۴، ردیف اول، ص ۵۰.
- ۲۸- مآخذ شماره ۲، ص ۵۳.
- ۲۹- مآخذ شماره ۲، صص ۵۷ تا ۶۳.
- ۳۰- سند شماره ۲۸۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: "عملیات کربلای ۲"، گزارش راوی تیپ ویژه ۱۵۵ شهدا، راوی: شهید امیری‌مقدم، صص ۵/۱ تا ۵/۶.
- ۳۱- پیشین، صص ۵ تا ۸.
- ۳۲- مآخذ شماره ۳۰، صص ۵/۹ تا ۵/۱۳.
- ۳۳- سند شماره ۲۸۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: "عملیات کربلای ۲"، گزارش راوی تیپ ۱۰۵ قدس، راوی: نادر نوروزشاد، ۱۳۶۵/۶/۱۰، ص ۱۱۳.
- ۳۴- پیشین، صص ۱۱۹ و ۱۲۰.
- ۳۵- مآخذ شماره ۳۳، صص ۱۲۰ و ۱۲۱.
- ۳۶- مصاحبه شماره ۴ هامون محمدی فرمانده گردان میثم، ۱۳۶۵/۶/۱۳، راوی: نادر نوروزشاد.
- ۳۷- مآخذ شماره ۴ ردیف اول، صص ۴۲ و ۴۳.
- ۳۸- دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران (معاونت تحقیق و پژوهش)، "سازمان بین‌المللی و جنگ ایران و عراق" (مجموع مقالات)، تهران، ۱۳۷۵، مقاله جنبش عدم‌تعهد (نوشته محمدحسین جمشیدی)، صص ۱ و ۶ تا ۲۸.